

Analyzing the Dimensions and Causal Relationships of Economic Warfare: An Application of the Fuzzy DEMATEL Method

Siamak Tahmasebi*

Assistant Professor, Supreme National Defense University

Abstract

Economic warfare has replaced traditional forms of conflict as the main means of exerting power in the modern international system. This research has been conducted with the aim of identifying the key economic warfare and the causal-disruptive relationships between them. The research method is applied-exploratory and has been implemented with a mixture of (qualitative-quantitative). In the qualitative stage and systematic study of the literature on the subject, 13 dimensions of economic warfare were identified and conceptualized. In the quantitative stage, using an expert survey and the application of the fuzzy dematerialization technique, a matrix of interrelationships between them was designed and analyzed. The findings show that among the 13 dimensions, 6 dimensions including "media-economic warfare", "corridor warfare", "cyber-economic warfare", "desire warfare", "financial warfare" and "trade warfare" are in the group of "cause and enabling" factors. These factors become the main drivers of the system. In contrast, 7 other dimensions including "investment war", "corporate war", "technology war", "resource war", "energy war", "security war" and "capital market war" were identified as "disabled and affected" factors that are more than this system. The main value of this research is in providing a comprehensive and 13-dimensional causal model of economic war that enables the internal dynamics of this

* Corresponding Author: Tahmasebysiamak@gmail.com

How to Cite: Tahmasebi, S. (2026). Analyzing the Dimensions and Causal Relationships of Economic Warfare: An Application of the Fuzzy DEMATEL Method. *Iranian Journal of Economic Research*, 31(106), 1-40. doi: ???

complex phenomenon. This model can provide a basis for formulating effective countermeasure strategies for the target, especially the Islamic Republic of Iran.

Keywords: Economic Warfare, Fuzzy DEMATEL, Cause-and-Effect Relationships, Economic Security, Resistance Economy, Sanctions.

JEL Classification: F51



واکاوی ابعاد و روابط علی جنگ اقتصادی: کاربرد روش دیمتل فازی

سیامک طهماسبی *

استادیار دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران



چکیده

جنگ اقتصادی به عنوان ابزار اصلی اعمال قدرت در نظام بین‌الملل مدرن، جایگزین اشکال سنتی درگیری شده است. این پژوهش با هدف شناسایی ابعاد کلیدی جنگ اقتصادی و تحلیل روابط علی-معلولی بین آنها انجام شده است. روش تحقیق از نوع کاربردی-اکتشافی بوده و با رویکرد آمیخته (کیفی-کمی) اجرا شده است. در مرحله کیفی و با مطالعه نظام‌مند ادبیات موضوع، ۱۳ بُعد جنگ اقتصادی شناسایی و مفهوم‌سازی گردید. در مرحله کمی، با استفاده از نظرسنجی از خبرگان و به کارگیری تکنیک دیمتل فازی، ماتریس روابط متقابل بین ابعاد طراحی و تحلیل شد. یافته‌ها نشان می‌دهد که از میان ۱۳ بُعد، ۶ بُعد شامل «جنگ رسانه‌ای-اقتصادی»، «جنگ کریدورها»، «جنگ سایبری-اقتصادی»، «جنگ ارزی»، «جنگ مالی» و «جنگ تجاری» در گروه عوامل «علت و تأثیرگذار» قرار دارند. این عوامل، محرک‌های اصلی سیستم محسوب می‌شوند. در مقابل، ۷ بُعد دیگر شامل «جنگ سرمایه‌گذاری»، «جنگ شرکت‌ها»، «جنگ فناوری»، «جنگ منابع»، «جنگ انرژی»، «جنگ امنیت غذایی» و «جنگ بازار سرمایه» به عنوان عوامل «معلول و تأثیرپذیر» شناسایی شدند که بیشتر متأثر از سیستم هستند. ارزش اصلی این پژوهش در ارائه یک مدل علی جامع و ۱۳ بُعدی از جنگ اقتصادی است که درک پویایی‌های درونی این پدیده پیچیده را ممکن می‌سازد. این مدل می‌تواند مبنایی برای تدوین راهبردهای مقابله‌ای کارآمد برای کشورهای هدف، به ویژه جمهوری اسلامی ایران، فراهم آورد.

کلیدواژه‌ها: جنگ اقتصادی، امنیت اقتصادی، اقتصاد مقاومتی، تحریم، دیمتل فازی، روابط علی-معلولی.

طبقه‌بندی JEL: F51

۱. مقدمه

از اواخر قرن بیستم ماهیت جنگ‌ها دگرگون شده و این تغییر در قرن بیستم شتاب بیشتری گرفته است. اگر در گذشته قدرت نظامی و تسلیحات سخت‌افزار تعیین‌کننده سرنوشت کشورها بود، امروز این نقش به قدرت اقتصادی و تسلط بر زنجیره‌های ارزش جهانی واگذار شده است. جنگ اقتصادی، استفاده سازمان‌یافته از ابزارهای اقتصادی برای اعمال فشار بر بازیگران بین‌المللی است (Baldwin 2020, 35-37). کشورها از طریق تحریم، کنترل صادرات، ایجاد اختلال در جریان سرمایه و انرژی، و استفاده از نظام مالی بین‌المللی به عنوان سلاح، تلاش می‌کنند رقبای خود را وادار به تغییر رفتار کنند.

ظهور پدیده‌هایی نظیر تحریم‌های هوشمند، جنگ ارزی، رقابت فناوریانه قدرتهای بزرگ، و کنترل کریدورهای بین‌المللی حمل‌ونقل، نشان می‌دهد که جنگ اقتصادی دیگر پدیده‌ای جانبی نیست، بلکه ابزار اصلی اعمال قدرت در جهان معاصر است (Drezner, Farrell and Newman 2021, 73-75). با وجود اهمیت فزاینده آن، هنوز الگویی جامع برای تبیین ابعاد مفهومی، سازوکارها و پیامدهای جنگ اقتصادی شکل نگرفته است. این خلأ نظری، نیازمند واکاوی تحلیلی عمیق‌تر است تا بتوان چارچوبی برای فهم رفتار بازیگران اقتصادی در شرایط جنگ اقتصادی ارائه داد.

اهمیت بررسی جنگ اقتصادی از آن جهت است که در نظم بین‌الملل کنونی، ابزارهای اقتصادی جایگزین ابزارهای نظامی در پیشبرد اهداف ژئوپلیتیکی شده‌اند. فهم جنگ اقتصادی مستلزم آشنایی با مجموعه‌ای از مفاهیم تخصصی است که چارچوب نظری و عملیاتی این حوزه را تشکیل می‌دهند. البته در برخی از موارد از واژه‌های مشابه دیگر نیز استفاده می‌شود به عنوان نمونه قبلاً در زبان انگلیسی واژه «سلاح اقتصادی»^۱ و در فرانسه به عنوان «ارتش اقتصادی»^۲ شناخته می‌شد. این مفاهیم اغلب در ادبیات روابط بین‌الملل، اقتصاد سیاسی بین‌الملل و مطالعات امنیتی به کار می‌روند (Mulder 2022, 2). کشورهای در حال توسعه به ویژه در معرض فشارهای ناشی از تحریم‌های مالی و فناوری قرار دارند و بدون درک دقیق از ابعاد جنگ اقتصادی، قادر به طراحی سیاست‌های مقاومتی مؤثر نخواهند بود. از سوی دیگر، بررسی نظری این پدیده می‌تواند به تکوین نظریه‌های جدید در حوزه «اقتصاد سیاسی امنیت» کمک کند.

¹ economic weapon

² l'arme économique

با عنایت به نکات بیان شده، اهداف تحقیق عبارتند از: شناسایی و تبیین ابعاد جنگ اقتصادی؛ تحلیل سازوکارها و ابزارهای اعمال جنگ اقتصادی در جهان معاصر؛ و ارائه چارچوبی مفهومی برای تحلیل و طبقه‌بندی ابعاد مختلف جنگ اقتصادی. با در نظر گرفتن اهداف فوق، سوالات تحقیق را بدین صورت ارائه می‌کنیم: جنگ اقتصادی چیست و چه ابعاد مفهومی دارد؟ عوامل علی و معلول در جنگ اقتصادی از نظر نخبگان کدامند؟

۲. مبانی نظری

جنگ اقتصادی عبارت است از کاربرد نظام‌یافته ابزارهای اقتصادی برای اعمال فشار، تضعیف یا مجبورسازی بازیگران بین‌المللی، خارج از چارچوب درگیری نظامی متعارف. جنگ اقتصادی رویکردی راهبردی در روابط بین‌الملل با اهدافی چون تغییر رفتار، کاهش توانایی رقبای، یا تضعیف پایه‌های حکومت هدف است و هدف نهایی آن، محروم کردن رقیب از منابع درآمدی و مالی حیاتی، مختل کردن زنجیره تأمین کالاهای راهبردی، کاهش توانایی‌های نظامی آن، و در نهایت، وادار کردن دولت هدف به تسلیم در برابر خواسته‌های سیاسی یا امنیتی است (Nephew 2017, 141).

چارلز ویکرز^۱ (۱۹۴۳) از اولین افرادی بوده که اقدام به تعریف جنگ اقتصادی نمود. وی در آن زمان، معاون مدیرکل «وزارت جنگ اقتصادی بریتانیا»^۲ را برعهده داشت. طبق تعریف ویکرز جنگ اقتصادی یعنی حمله به قدرت جنگی اقتصادی دشمن به گونه‌ای که قدرت او برای نگه داشتن نیروهای مسلح یا مجهز کردن آنها یا تأمین مهمات، یا تغذیه آنها یا جابجایی آنها در یک جنگ تمام عیار کاهش پیدا کند (Harrison, 2025, p. 187).

تعریف جنگ اقتصادی در ادبیات دانشگاهی و راهبردی، با توجه به ابعاد و ابزارهای مختلف آن، طیفی از تعاریف محدود تا گسترده را در بر می‌گیرد. در هسته مرکزی همه این تعاریف، استفاده عمدی از اهرم‌های اقتصادی برای دستیابی به اهداف سیاسی یا امنیتی نهفته است. جنگ اقتصادی همچنین شامل استفاده از ابزارهای اقتصادی برای وادار کردن دشمن به تغییر سیاست‌ها یا رفتار خود یا تضعیف توانایی آن در برقراری روابط عادی با سایر کشورها است (Harrison, 2025, p. 187) (Shambaugh (D. W. Drezner 2011, 99) (2002). در یک تعریف کلاسیک و محدود، که ریشه در رویکردهای سنتی دارد، جنگ

¹ Charles Vickers

² Ministry of Economic Warfare

اقتصادی عمدتاً به عنوان متممی برای جنگ نظامی در نظر گرفته شده و «استفاده از ابزارهای اقتصادی برای تضعیف توانایی اقتصادی-نظامی دشمن در طول یک درگیری مسلحانه» مدنظر قرار می‌گیرد. مانند محاصره دریایی برای قطع کردن منابع و تدارکات جنگی از رسیدن به دشمن است (Neff 2005, 222).

در دوران معاصر و به ویژه پس از جنگ سرد، تعریف مفهوم جنگ اقتصادی به طور قابل توجهی گسترده‌تر شده است. امروزه، جنگ اقتصادی بیشتر به عنوان یک ابزار مستقل اجبار در نظر گرفته می‌شود که می‌تواند خارج از چارچوب یک درگیری نظامی فعال و در شرایط صلح نیز به کار رود. این نگاه ریشه در دیدگاه «کشوردراری اقتصادی»^۱ و گونه‌ای از «اجبار اقتصادی»^۲ دارد که دیوید بالدوین^۳ نسبت به آن تاکید دارد (Baldwin 2020, 35-37) و طیف وسیعی از اقدامات را در بر می‌گیرد مانند: تحریم‌های یکجانبه و چندجانبه، ممنوعیت‌های سرمایه‌گذاری، تحریم‌های هوشمند علیه افراد و نهادهای خاص، قطع دسترسی از سیستم‌های مالی بین‌المللی، استفاده از سلطه ارزی برای اعمال فشار فراسرزمینی، کنترل صادرات فناوری‌های حساس؛ که درنظر از آنها به عنوان تحریم‌های هوشمند نام می‌برد (D. W. Drezner 2011, 100). دایره المعارف بریتانیکا^۴ نیز با الهام از رویکردهای جدید، «جنگ اقتصادی» را اینگونه تعریف کرده است: جنگ اقتصادی، استفاده یا تهدید به استفاده از ابزارهای اقتصادی علیه یک کشور به منظور تضعیف اقتصاد و در نتیجه کاهش قدرت سیاسی و نظامی آن کشور است. جنگ اقتصادی همچنین شامل استفاده از ابزارهای اقتصادی برای وادار کردن دشمن به تغییر سیاست‌ها یا رفتار خود یا تضعیف توانایی او برای برقراری روابط عادی با سایر کشورها است. برخی از ابزارهای رایج جنگ اقتصادی عبارتند از: تحریم تجاری^۵، بایکوت، تحریم^۶، تبعیض تعرفه‌ای^۷، مسدود کردن دارایی‌های سرمایه‌ای^۸، تعلیق

¹ Economic Statecraft

² Economic Coercion

³ Baldwin, David A.

⁴ <https://www.britannica.com/topic/economic-warfare>

⁵ Trade embargoes

⁶ Sanctions

⁷ Tariff discrimination

⁸ Freezing of capital assets

کممک‌ها^۱، ممنوعیت سرمایه‌گذاری و سایر جریان‌های سرمایه^۲، و سلب مالکیت^۳ (britannica 2024).

برخی از پژوهشگران رویکردی فراتر از تخصیص و تقابل صرف را مبنا قرار داده و به ابعاد مختلف دیگر نیز توجه داشته و از اصطلاح «ژئواکونومی» استفاده نموده‌اند. مثلاً بلکویل و هریس^۴ از اصطلاح «ژئواکونومی» استفاده کرده و آن را به عنوان «کاربرد ابزارهای اقتصادی برای دستیابی به اهداف ژئوپلیتیک» تعریف می‌نمایند. در این دیدگاه، جنگ اقتصادی بخشی از یک رقابت راهبردی گسترده‌تر برای کسب قدرت، نفوذ و امنیت در نظام بین‌الملل است (Blackwill and Harris 2016, 5). این تعریف نشان می‌دهد که جنگ اقتصادی دیگر تنها یک «محاصره» ساده نیست، بلکه یک پدیده پیچیده، چندوجهی و عمدتاً مالی است که در شبکه‌های به هم پیوسته اقتصاد جهانی رخ می‌دهد.

۱.۲. پیشینه جنگ اقتصادی

نمونه‌هایی از جنگ اقتصادی در زمانهای قدیم هم مشاهده می‌شود، مثلاً محاصره‌ی شهرها و قلعه‌ها برای مجبور کردن دشمن به تسلیم از طریق گرسنگی، نمونه‌ی اولیه‌ی از این مفهوم بود. در دوران صدر اسلام نیز کفار مکه اقدام به تحریم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و پیروانش در شعب ابی طالب به مدت سه سال کرده و قصد داشتند با ممنوع کردن هرگونه خرید و فروش به بنی‌هاشم، پیامبر را تحت فشار شدید اقتصادی و اجتماعی قرار داده و وادار به تسلیم کنند (سبحانی تبریزی ۱۳۸۵، ۳۴۲). با این حال، ظهور دولت-ملت‌های مدرن و یکپارچه‌تر شدن اقتصاد جهانی، جنگ اقتصادی را به ابزاری پیچیده و گسترده تبدیل کرد. در عصر جدید، «محاصره‌ی قاره‌ای»^۵ ناپلئون بناپارت در سال ۱۸۰۶ به عنوان یکی از اولین نمونه‌های کلاسیک جنگ اقتصادی مطرح می‌شود. ناپلئون هدف خود را محاصره‌ی اقتصادی بریتانیا (دشمن اصلی فرانسه در آن روزگار)، اعلام کرد و هرگونه تجارت با این کشور را برای متحدان و کشورهای تحت انقیاد فرانسه ممنوع ساخت. اگرچه این محاصره در نهایت با دور زدن تحریم‌ها و قاچاق گسترده به طور کامل موفق نبود، اما نشان داد که

¹ suspension of aid

² prohibition of investment and other capital flows

³ expropriation

⁴ Blackwill, R. & Harris, J.

⁵ Continental System

چگونه می‌توان از اقتصاد به عنوان یک سلاح راهبردی علیه یک قدرت رقیب استفاده کرد (Copeland 2015, 324-325).

در طول جنگ جهانی اول، قدرت‌های متفقین و کشورهای وابسته، به رهبری بریتانیا و فرانسه، جنگ اقتصادی بی‌سابقه‌ای را علیه امپراتوری‌های آلمان، اتریش-مجارستان و عثمانی آغاز کردند که در برخی از کشورها حتی وزارتخانه‌هایی^۱ برای محاصره اقتصادی شکل گرفت (Mulder 2022, 2-3). در جنگ جهانی دوم، جنگ اقتصادی به پیچیدگی و ظرافت بالاتری رسید. متفقین نه تنها به محاصره آلمان ادامه دادند، بلکه به طور فعال به عملیات «جنگ اقتصادی» روی آوردند. انگلستان اقدام به ایجاد «وزارت جنگ اقتصادی»^۲ برای هماهنگی تحریم‌ها و هدف قرار دادن نقاط حیاتی اقتصاد آلمان، مانند تأمین منابع راهبردی ساخت ادوات نظامی و منابع غذایی نمود (Davies 2015, 810-814).

پس از اتمام جنگ جهانی، در دوران جنگ سرد نیز شاهد استفاده از جنگ اقتصادی به شکلی دیگر بودیم. مثلاً کشورهای غربی با تشکیل «کمیته هماهنگی کنترل‌های صادرات چندجانبه»^۳ در صدد فشار به شوروی بودند. هدف عنوان شده از این جنگ اقتصادی، محدود کردن توانایی جنگ‌افروزی شوروی با محروم کردن او از مواد اولیه یا گرسنه نگه داشتن مردم و ارتش بود (Førland 1991, 192).

در ادامه فاتحان جنگ جهانی سلاح اقتصادی و تحریم‌های تجاری را در ماده ۱۶ میثاق جامعه ملل گنجانده و آن را از نهادی مربوط به زمان جنگ به نهادی مربوط به زمان صلح تبدیل کردند. بنابراین تحریم‌ها پس از جنگ جهانی دوم نیز استمرار یافته و به عنوان بخشی از سازمان ملل متحد به کار خود ادامه دادند (Mulder 2022, 2-3). در ماده ۱۶ پیمان صلح ورسای^۴ تاکید شده که کشوری که ناقض میثاق باشد باید در معرض قطع کلیه روابط تجاری یا مالی قرار گرفته و از کلیه مراودات مالی، تجاری یا شخصی بین اتباع دولت ناقض میثاق و اتباع سایر کشورها جلوگیری نمود (The Peace Treaty of Versailles. (1919). Signed June 28 1919).

با پایان جنگ سرد، ماهیت جنگ اقتصادی یک بار دیگر دگرگون شد. آمریکا، به استفاده از تحریم‌های اقتصادی یکجانبه و فراسرزمینی به عنوان یکی از ابزارهای اصلی

¹ National blockade ministry

² Ministry of Economic Warfare

³ Coordinating Committee for Multilateral Export Controls (CoCom)

⁴ Peace Treaty of Versailles

سیاست خارجی خود روی آورد. قوانینی مانند «قانون داماتو» علیه ایران و لیبی نشان‌دهنده‌ی عزم واشنگتن برای استفاده از سلطه‌ی دلار و سیستم مالی خود برای اعمال فشار بر دشمنانش، حتی بدون کسب مجوز از شورای امنیت، بود (Nephew 2017, 31). همزمان، پایان جنگ سرد تمایل جدیدی را در میان ابرقدرت‌های پیشین برای استفاده از ابزارهای فصل هفتم منشور ملل متحد به وجود آورد؛ ابزارهایی که در اصل برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی پیش‌بینی شده بودند و اکنون در چارچوب شورای امنیت به کار گرفته می‌شدند (Cortright and Lopez 2000, 1).

در قرن بیست و یکم، جنگ اقتصادی به اوج پیچیدگی رسیده و ابعاد بیشتری پیدا کرده از جمله جنگ تجاری، جنگ مالی، جنگ حمل و نقل، جنگ انرژی و این ابعاد در هم‌افزایی با هم برای ضربه زدن به کشور هدف استفاده شد که جمهوری اسلامی ایران از مهمترین آماج این حملات بود. (Nephew 2017, 72).

در ادامه حوزه‌های جدیدی از جنگ تجاری، از جمله فضای سایبری، جنگ ارزی (Rickards 2012, 3-13)، جنگ گذرگاه‌های راهبردی (کریدورها) (Tashjian 2024, 5)، و رقابت بر سر فناوری‌های برتر گسترش یافته است. تهاجم روسیه به اوکراین در سال ۲۰۲۲ و پاسخ متحدان غربی به آن، نقطه‌ی عطفی در تاریخ جنگ اقتصادی بود. تحریم‌های بی‌سابقه علیه بانک مرکزی روسیه و قطع دسترسی بخش بزرگی از سیستم بانکی این کشور از شبکه‌ی SWIFT، نشان داد که جنگ اقتصادی مدرن می‌تواند به اندازه‌ی جنگ متعارف، ویرانگر و تعیین‌کننده باشد (Drezner, Farrell and Newman 2021, 52).

۲.۲. چارچوب نظری پژوهش

جنگ اقتصادی به عنوان پدیده‌ای پیچیده در عرصه روابط بین‌الملل، مستلزم درکی عمیق از مفاهیم بنیادین حاکم بر تعاملات قدرت در نظام جهانی است. در کانون این درک، تمایز میان «قدرت نرم»^۱ و «قدرت سخت»^۲ قرار دارد. همانطور که جوزف نای (Nye 2004, 5) تأکید می‌نماید، قدرت نرم به توانایی شکل‌دهی به ترجیحات دیگران از طریق جذابیت و اقناع می‌پردازد، در حالی که قدرت سخت بر ابزارهای اجبار و پرداخت متکی است. مرز بین این دو شکل قدرت کاملاً مطلق نیست؛ ابزارهایی مانند کمک‌های اقتصادی مشروط

^۱ Soft Power

^۲ Hard Power

می‌توانند در بردارنده عناصری از هر دو نوع قدرت باشند با توجه به این موضوع جنگ اقتصادی عمدتاً حالت بینابینی داشته و می‌توان به عنوان جنگ «نیمه سخت» قلمداد کرد، زیرا هدف آن وادارسازی کشور هدف از طریق تحمیل هزینه‌های اقتصادی است.

در لایه‌ای عمیق‌تر، جنگ اقتصادی در چارچوب مفهومی «کشورداری اقتصادی» قابل تحلیل است. این مفهوم به کاربرد راهبردی ابزارهای اقتصادی برای پیشبرد اهداف سیاست خارجی اشاره دارد (Aggarwal and Reddie 2021, 138) و (یوسف‌زهی، و غیره ۱۳۹۹، ۵۳-۵۵). در این پارادایم، دولت‌ها از طیف وسیعی از ابزارها - از تحریم‌ها و موانع تجاری تا کمک‌های مالی و توافقاتی ترجیحی - برای تأثیرگذاری بر رفتار سایر بازیگران بین‌المللی بهره می‌گیرند. تحریم‌های اقتصادی به عنوان یکی از برجسته‌ترین ابزارهای این عرصه، به اقدامات محدودکننده‌ای اطلاق می‌شوند که با هدف محروم سازی کشور هدف از منافع اقتصادی و تضعیف پایه‌های ثبات آن طراحی می‌شوند (پیغامی، و غیره ۱۳۹۴، ۳۵-۳۷) و (Haidar 2017, 322).

گونه‌شناسی تحریم‌ها از منظر هافباوئر^۱ و همکاران (Hufbauer, et al. 2007, 138) تمایزی کلیدی بین «تحریم‌های جامع»^۲ و «تحریم‌های هوشمند»^۳ قائل می‌شود. تحریم‌های جامع با دربرگرفتن کل اقتصاد یک کشور، اغلب با انتقادات گسترده به دلیل تأثیرات مخرب بر غیرنظامیان مواجه بوده‌اند. در مقابل، تحریم‌های هوشمند که با عناوینی چون تحریم‌های هدفمند^۴ نیز شناخته می‌شوند، با تمرکز بر بخش‌ها، نهادها یا افراد خاص، در پی کاهش این اثرات جانبی هستند (Balzacq and Krebs 2021, 381) (D. W. Drezner 2011, 97).

در عصر حاضر، مفهوم «سلطه دلار» (Norrlöf 2014, 1047) و «سلاح‌سازی مالی»^۵ (Drezner, Farrell and Newman 2021, 73-75) ابعاد جدیدی به جنگ اقتصادی بخشیده‌اند. سلطه دلار به عنوان ارز مسلط جهانی، به ایالات متحده امکان می‌دهد از نظام مالی بین‌المللی به عنوان اهرمی برای اعمال فشار استفاده نماید. سلاح‌سازی مالی نیز به استفاده هدفمند از نهادها و کانال‌های مالی، از کنترل سیستم‌های پرداخت بین‌المللی مانند سوئیفت تا انزوای مالی کشورها، برای پیشبرد اهداف ژئوپلیتیک اشاره دارد.

¹ Hufbauer, G

² Comprehensive Sanctions

³ Smart/Targeted Sanctions

⁴ Targeted economic sanctions

⁵ Financial Weaponization

این مفاهیم در قالب گسترده‌تر «جنگ ترکیبی»^۱ جای می‌گیرند که بر اساس تعریف ستاد ناتو (NATO Headquarters Brussels 2024, 16)، شامل تلفیق قابلیت‌های نظامی و غیرنظامی در سطحی زیر آستانه درگیری متعارف است. در این پارادایم، جنگ اقتصادی به عنوان یکی از ارکان اصلی جنگ ترکیبی، مستلزم توجه به «امنیت اقتصادی» است؛ مفهومی که به حفاظت از رفاه اقتصادی در برابر تهدیدات خارجی و داخلی می‌پردازد (سیف ۱۳۸۹، ۹-۱۱). امروزه امنیت اقتصادی به مولفه‌ای جدایی‌ناپذیر از امنیت ملی تبدیل شده که بر امنیت تأمین منابع حیاتی، ثبات زنجیره‌های تأمین و استحکام زیرساخت‌های مالی متمرکز است.

۳.۲. مفهوم سازی جنگ اقتصادی و ابعاد مهم آن

براساس مطالعات اسناد مختلف، جنگ اقتصادی را می‌توان در ابعاد ذیل مفهوم سازی کرد:

۱) جنگ تجاری^۲: جنگ تجاری به رویه‌ای متقابل میان دو یا چند کشور اطلاق می‌شود که در آن طرفین با اعمال عمدی و تدریجی موانع تجاری از جمله تعرفه‌های گمرکی خارج از عرف، سهمیه‌های وارداتی، یارانه‌های حمایتی به تولیدکنندگان داخلی، و موانع غیرتعرفه‌ای؛ سعی در محدود کردن دسترسی طرف مقابل به بازار خود و یا کسب امتیاز در مذاکرات دارند (Itakura 2020, 77). برخلاف تحریم‌ها که عمدتاً اهداف سیاسی یا امنیتی را دنبال می‌کنند، هدف اصلی در جنگ تجاری، تغییر شرایط رقابت اقتصادی و میزان تجارت به نفع خود است. کشورها معمولاً با توجیه «محافظت از صنایع داخلی» در برابر رقابت ناعادلانه (مانند دامپینگ یا دریافت یارانه‌های دولتی توسط رقبای خارجی) یا برای دستیابی به امتیازات تجاری بیشتر، به این ابزار متوسل می‌شوند (Grossman and Helpman 1995, 677).

۲) جنگ سرمایه‌گذاری^۳: جنگ سرمایه‌گذاری به استفاده راهبردی از ابزارهای سیاست‌گذاری برای کنترل، محدود کردن یا منع جریان‌های سرمایه‌گذاری فرامرزی با اهداف امنیتی یا ژئوپلیتیک اطلاق می‌شود (Blackwill and Harris 2016, 49) (Bajoghli, et al. 2024, 67). کمیته سرمایه‌گذاری خارجی در ایالات متحده^۴ به منظور

¹ Hybrid warfare

² Trade War

³ Investment Warfare

⁴ The Committee on Foreign Investment in the United States (CFIUS)

بررسی و مسدود کردن معاملات که تهدید احتمالی برای امنیت ملی محسوب می‌شوند، به طور قابل توجهی افزایش یافته است (Wakely and Indorf 2018, 7). در این بین خروج سرمایه^۱ و فرار سرمایه^۲ نیز از تکنیک‌های مهم تلقی می‌شود: خروج سرمایه یک مفهوم کلی‌تر است که شامل تمامی جریان‌های سرمایه از یک کشور به خارج، اعم از قانونی و غیرقانونی، برای انگیزه کسب سود یا مدیریت ریسک‌ها و عدم اطمینان‌های اقتصادی و سیاسی انجام می‌شود. ولی فرار سرمایه معمولاً به معنای خروج غیرقانونی یا غیررسمی سرمایه است که در حساب‌های ملی ثبت نمی‌شود و آسیب‌هایی چون کاهش منابع مالی برای سرمایه‌گذاری داخلی و آسیب به رشد اقتصادی ایجاد می‌کند. فرار سرمایه دو نوع است که نوع اول به خروج سرمایه توسط ساکنان کشورهای در حال توسعه که ناشی از ترس و بی‌اعتمادی نسبت به آینده اقتصادی یا سیاسی است و معمولاً به شکل غیررسمی یا غیرقانونی و ثبت نشده در آمار رسمی جریان‌های مالی است. نوع دوم فرار سرمایه خروج سرمایه توسط غیرساکنان از کشورهای در حال توسعه بوده که به معنی بازگشت سرمایه‌های ورودی قبلی است (Kant 2002, 341-343).

۳) جنگ ارزی^۳: جنگ ارزی یا رقابت تهاجمی در کاهش ارزش پول^۴، یک سیاست مالی غیرمتعارف بوده و به وضعیتی اطلاق می‌شود که در آن کشورها به طور فعال و عمدی در تلاش برای کاهش ارزش پول ملی خود نسبت به سایر ارزها هستند تا مزیت رقابتی در تجارت بین‌الملل به دست آورند (Rose 2021, 1079). این عمل با کاهش مصنوعی ارزش پول، کالاهای صادراتی را ارزان‌تر و واردات را گران‌تر می‌کند و هدف نهایی آن بهبود تراز تجاری و تحریک رشد اقتصادی داخلی از طریق تقاضای خارجی است (Rickards 2012, 25). با این حال، جنگ ارزی می‌تواند نوع تهاجمی‌تر نیز داشته باشد که نوع دوم جنگ ارزی بوده و مبدأ بیرونی داشته و اراده خود کشور در آن نقش چندانی ندارد. در این حالت، یک کشور ممکن است از اهرم‌های خود (مانند تحریم‌های مالی، محدودیت‌های بانکی، یا ممنوعیت‌های صادراتی) برای ایجاد یک شوک بیرونی علیه پول ملی کشور هدف استفاده کند. هدف این اقدام، ایجاد بی‌ثباتی مالی، تورم وارداتی، و فرار سرمایه در اقتصاد کشور هدف است تا توانایی اقتصادی و سیاسی آن را تضعیف

¹ Capital Outflow

² Capital Flight

³ Currency War

⁴ competitive devaluation

نماید. این شکل از جنگ ارزی نه از طریق سیاست‌های پولی داخلی، بلکه از طریق اعمال فشار خارجی انجام می‌شود. این نوع از جنگ ارزی اثرات سوئی بر اقتصاد کشور هدف می‌گذارد که از مهمترین آنها می‌توان به افزایش قیمت کالاهای وارداتی، افزایش هزینه تولید در صنایع وابسته به نهاده‌های وارداتی، گسترش پدیده قاچاق به خارج از کشور و غیره اشاره کرد (خزایی، اسلامیان و سزاوار ۱۴۰۰، ۴۳-۴۴، D. W. Drezner 2015, 759).

۴) جنگ مالی^۱: جنگ مالی به عنوان استفاده راهبردی از ابزارها و سازوکارهای مالی برای تضعیف یا بی‌ثبات کردن اقتصاد دشمن و در نتیجه آسیب رساندن به توانایی آن برای انجام عملیات نظامی یا حفظ ثبات سیاسی تعریف می‌شود. این شکل از جنگ شامل طیف وسیعی از تاکتیک‌ها، از جمله تحریم‌ها، محدودیت‌های مالی، عملیات سایبری با هدف قرار دادن سیستم‌های مالی و سایر اقداماتی است که برای اختلال در جریان سرمایه و اعتبار طراحی شده‌اند. برخلاف جنگ اقتصادی سنتی، که ممکن است به طور گسترده بر جمعیت از طریق تحریم‌ها یا محاصره‌ها تأثیر بگذارد، جنگ مالی با رویکرد دقیق و هدفمند آن مشخص می‌شود که هدف آن تأثیر مستقیم بر زیرساخت‌های مالی مخالفان است. تحریم‌های مالی، مسدود کردن دارایی‌ها و اختلال در سیستم‌های مالی بخشی از جنگ مالی است. دولت‌ها از این اقدامات برای اعمال فشار، مجازات دشمنان یا محدود کردن دسترسی به بازارهای مالی جهانی استفاده می‌کنند (T. C. (Zarate 2013, IX Lin 2016, 1399-1401). ریچارد نفیو که معمار تحریم‌های آمریکا علیه ایران در دهه اخیر بوده تأکید می‌کند که تحریم‌های مالی یکی از ابزارهای مهم در جنگ اقتصادی است (نفیو ۱۳۹۷، ۳۹) وی بیان می‌کند که تحریم‌های مالی با استفاده از جهانی‌تر شدن بازارهای ارز و جریان‌های مالی و فرایندهای بیمه‌ای برنامه‌های خود را پیش می‌برد و بجای تمرکز بر کالاها و اجناس تجاری، بر نحوه انجام تجارت تمرکز می‌کند چرا که فرض اصلی این است که زیرساخت انجام فعالیت‌های تجاری، جریان‌های مالی است و کشورهای غربی نقشی مرکزی و کانونی در این روندهای مالی ایفا می‌کنند (Drezner, Farrell and Newman 2021, 73-75).

¹ Financial Warfare

(۵) جنگ سایبری-اقتصادی^۱: جنگ سایبری اقتصادی به دو بخش تقسیم می‌شود که بخش اول ناظر بر «جاسوسی سایبری اقتصادی»^۲ است و هدف آن کسب اطلاعات محرمانه اقتصادی کشورها می‌باشد. بخش دوم مربوط به حملات و خرابکاری‌های سایبری^۳ است، حملات سایبری که موسسات مالی، بورس اوراق بهادار یا سیستم‌های پرداخت را هدف قرار می‌دهند در این دسته قرار می‌گیرند. برهم زدن زیرساخت‌های اقتصادی می‌تواند عواقب شدیدی برای ثبات اقتصادی یک ملت داشته باشد (NATO Headquarters Brussels 2024, 30) (T. C. Lin 2016, 1045).

(۶) جنگ شرکت‌ها و کسب و کارها^۴: کسب‌وکارها با هم رقابت داشته و در پاره‌ای از موارد با یکدیگر درگیر می‌شوند. رقابت برای منابع حیاتی، استعدادهای کمیاب، سهم بازار، دانش فنی، نفوذ و قدرت در جهانی به هم پیوسته است. برخی از این رقابت‌ها دوستانه، مشارکتی و متقابلاً سودمند است ولی برخی دیگر از رقابت‌ها خصمانه، ستیزه‌جویانه و آمرانه است. در سال‌های اخیر، این رقابت بین ملت‌ها و کسب‌وکارها به طور نگران‌کننده‌ای و فزاینده‌ای خصمانه و ستیزه‌جویانه شده است، زیرا دولت-ملت‌ها و بازیگران غیردولتی، کسب‌وکارهای خاص را با شدت و روش‌های جدید هدف حملات، تحریم‌ها و اتهامات متقابل قرار می‌دهند (T. C. Lin 2022, 2) (بوشلر ۱۴۰۴، ۳۷). جنگ شرکت‌ها به طور کلی به رقابت‌های شدید بین شرکت‌ها اشاره دارد که در آن هر یک از طرفین سعی می‌کنند با استفاده از راهبردهای مختلف، از جمله قیمت‌گذاری، تبلیغات، نوآوری، و حتی اقدامات غیرقانونی، برتری پیدا کنند. این جنگ می‌تواند به شکل‌های مختلفی بروز کند مانند: ۱. جنگ قیمت یا دامپینگ^۵: کاهش قیمت‌ها برای جذب مشتریان و تضعیف رقبای تجاری؛ ۲. جنگ تبلیغاتی: استفاده از تبلیغات گسترده برای ایجاد تصویر مثبت از برند و تخریب تصویر رقبای خود؛ ۳. جنگ نوآوری: سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه برای ارائه محصولات جدید و بهبود کیفیت خدمات؛ ۴. جنگ منابع: تلاش برای کنترل منابع کلیدی مانند نیروی کار، مواد اولیه، و فناوری. باید توجه داشت که «جنگ شرکتها» فراتر از رقابت متعارفی است که بین

¹ Cyber-Economic Warfare

² Cyber economic espionage

³ Economic cyber sabotage

⁴ Business Warfare

⁵ Dumping

شرکتها وجود داشته و هریک از آنها دنبال کسب مزیت رقابتی هستند (Porter 1980, 89-90). بلکه جنگ شرکتها بر خلاف رقابت معمول، حاکی از رویکردی خصمانه‌تر است که هدف نهایی آن نه تنها کسب برتری، بلکه خروج رقا از صحنه یا تضعیف جدی موقعیت آنان است که ادغام و تملک شرکتهای رقیب وجود از شگردهای آن می‌باشد (T. C. Lin 2022, 2-3).

(۷) جنگ فناوری: جنگ اقتصادی از مسیر سلطه فناوریانه بُعد دیگری از جنگ اقتصادی محسوب می‌شود. در عصر حاضر، جنگ اقتصادی منحصر در ابزارهای مالی و تجاری کلاسیک نمی‌شود، بلکه عرصه نبرد به «جنگ فناوری» هم تسری پیدا کرده است. در جنگ فناوری، دستیابی، توسعه و انحصاری کردن «فناوری‌های حیاتی و نوظهور» به سلاحی راهبردی برای تضمین برتری اقتصادی و امنیت ملی تبدیل شده است، البته رگه‌های جنگ فناوری در طول تاریخ نیز مشاهده می‌شود (Little 2025, 1). اگرچه رویکرد سنتی به تأثیر فناوری در جنگ می‌پردازد (Cohen 2019, 128-130)، در رویکرد جدید این جنگ به عرصه اقتصادی نیز گسترش یافته است. نمود بارز این تحول را در تقابل فناوریانه آمریکا و چین می‌توان مشاهده کرد، جایی که حفاظت از فناوری‌های مهم به «محاصره فناوری» تبدیل شده است (Little 2025, 5). ایالات متحده با انتشار مستمر «فهرست فناوری‌های حیاتی و نوظهور» (The National Science and Technology Council (NSTC) 2024, 2) و ابراز نگرانی از «راهبرد همجوشی نظامی-مدنی» چین (Ryan and Burman 2024, 356)، در پی حفظ رهبری در فناوری‌های اساسی مانند میکروالکترونیک، هوش مصنوعی و محاسبات کوانتومی است (Ryan and Burman 2024, 357-358). هدف نهایی، جلوگیری از تقویت مجتمع نظامی-صنعتی چین و حفظ برتری در اقتصاد فناوری پیشرفته است. کشورهای پیشرو از طریق شناسایی و سرمایه‌گذاری در این فناوری‌ها و ایجاد موانع برای دسترسی رقا، به دنبال تحقق دو هدف کلیدی هستند: تقویت پایه‌های تولید ثروت و رقابت‌پذیری اقتصادی، و تضعیف ساختار اقتصادی رقا از طریق وابسته نگه‌داشتن آنها در زنجیره تأمین. بنابراین، هر پیشرفت فناوریانه در قرن بیست‌ویکم نه تنها یک دستاورد علمی، بلکه مانوری راهبردی در جنگ اقتصادی محسوب می‌شود (Ryan and Burman 2024, 357-358).

۸) جنگ منابع^۱: جنگ منابع به رقابت راهبردی (اعم از اقتصادی، دیپلماتیک یا نظامی) بر سر دسترسی، کنترل و تخصیص منابع طبیعی حیاتی و کمیاب اطلاق می‌شود که امنیت اقتصادی و انرژی یک کشور به آن وابسته است (Colgan 2013, 148-153). این منابع می‌توانند شامل نفت، گاز طبیعی، مواد معدنی کمیاب، آب شیرین و زمین‌های حاصلخیز باشند.

۹) جنگ انرژی: جنگ انرژی به استفاده راهبردی از ابزارهای اقتصادی، دیپلماتیک و گاه نظامی برای کنترل منابع، زیرساخت‌ها و جریان‌های انتقال حامل‌های انرژی (مانند نفت، گاز و برق) با هدف اعمال نفوذ ژئوپلیتیک، ایجاد بی‌ثباتی اقتصادی در رقبا یا تضمین امنیت انرژی خودی اطلاق می‌شود (Colgan 2013, 153-155). این بعد از جنگ اقتصادی، به دلیل نقش بنیادین انرژی در صنعت، حمل‌ونقل و امنیت ملی، از حادث‌ترین و مؤثرترین اشکال آن محسوب می‌گردد.

۱۰) جنگ امنیت غذایی: امنیت غذایی^۲ به معنای دسترسی همه افراد به غذای کافی، سالم و مغذی در تمام اوقات برای داشتن یک زندگی سالم و فعال است (Manap and Ismail 2019, 108). جنگ امنیت غذایی به استفاده عمدی از ابزارهای اقتصادی، تجاری، سیاسی و نظامی برای دستکاری در دسترسی و پایداری منابع غذایی یک کشور هدف، با قصد ایجاد بی‌ثباتی داخلی، اعمال فشار سیاسی یا تضعیف پایه‌های اقتصادی-اجتماعی آن اطلاق می‌شود. امنیت غذایی نقش مهمی در ثبات ملت‌ها ایفا می‌کند، زیرا تأمین منابع غذایی کافی و پایدار برای حفظ ثبات اقتصادی و اجتماعی ضروری است، زیرا کمبود غذا منجر به ناآرامی‌های اجتماعی و اقتصادی می‌شود (Metrouh 2024, 20). جنگ‌های غذایی بخشی از جنگ‌های نسل پنجم محسوب می‌شوند، زیرا بر استفاده از فناوری‌های مدرن و با اتکا بر عملیات غیرنظامی مانند جنگ‌های اقتصادی تمرکز دارند (Metrouh 2024, 23). جنگ امنیت غذایی اغلب بر وابستگی غذایی کشورها تمرکز دارد. کشورهایی که خودکفایی غذایی پایینی دارند و برای تأمین نیازهای اساسی جمعیت خود به واردات وابسته هستند، در برابر این نوع از جنگ اقتصادی بسیار آسیب‌پذیرند (Manap and Ismail 2019, 109). ایجاد هرج و مرج در بازار غذا می‌تواند به سرعت به ناامنی اجتماعی، اعتراضات و بحران‌های سیاسی در کشور هدف

¹ Resource Warfare

² Food security

بینجامد. ابزارهای مهم در این نوع نبرد مختلف بوده که مهمترین آنها عبارت است از: اعمال محاصره اقتصادی، خرابکاری در زمین‌های کشاورزی، جنگ بیولوژیکی برای نابودی محصولات کشاورزی، تحریم‌های کشاورزی و غذایی، تخریب عمدی زیرساخت‌های کشاورزی طرف مقابل (Metrouh 2024, 26).

۱۱) جنگ کریدورها: جنگ کریدورها به رقابت بین دولتها برای کنترل، ایجاد یا ممانعت از توسعه مسیرهای تجاری، ترانزیت و لجستیکی بین‌المللی (کریدورهای اقتصادی) اطلاق می‌شود. این کریدورها (اعم از زمینی، دریایی، ریلی یا ترکیبی) شریان‌های حیاتی برای جریان کالا، انرژی، داده و سرمایه در اقتصاد جهانی هستند. کنترل این شریان‌ها به یک کشور اهرم ژئوپلیتیک قابل توجهی برای اعمال نفوذ، ایجاد درآمد و محروم کردن رقبای از دسترسی به بازارها می‌بخشد. شواهد این جنگ از اواخر قرن ۱۹ میلادی مشهود بوده است، آلمان‌ها با همراهی امپراتوری عثمانی در سودای احداث خط آهن برلین-بغداد برای دستیابی به خلیج فارس بودند تا به لحاظ ژئواقتصادی بر رقبای سنتی خود یعنی انگلستان و فرانسه فائق شوند که البته جنگ جهانی مانع آن شد (Tashjian 2024, 4-5). در سالهای اخیر (سال ۲۰۰۰)، روسیه، ایران و هند قصد احداث «کریدور حمل و نقل بین‌المللی شمال-جنوب»^۱ را با هدف اتصال اقیانوس هند به روسیه و شمال اروپا آغاز کردند. در سال ۲۰۱۳، چینی‌ها «ابتکار کمربند و جاده»^۲ خود را برای اتصال چین به بازارهای اوراسیا از طریق جاده‌ها و راه‌آهن‌های متعدد آغاز کردند. در این چارچوب، ترکیه نسخه خود از «کریدور میانی»^۳ را به عنوان وسیله‌ای برای اتصال شرق-غرب در بحبوحه جنگ روسیه در اوکراین مطرح کرد. اخیراً، در سال ۲۰۲۳، آمریکایی‌ها رسماً از «کریدور اقتصادی هند-خاورمیانه-اروپا»^۴ که بمبئی را به بنادر خلیج فارس، اسرائیل و کشورهای اروپایی متصل می‌کند، حمایت کردند (Tashjian 2024, 4-5). جنگ کریدورها نشان‌دهنده رقابت‌های پیچیده و چندجانبه در عرصه جهانی است که تحت تأثیر عوامل اقتصادی، سیاسی و امنیتی قرار دارد. جنگ کریدورها دارای ابعاد مختلفی است مانند: رقابت‌های منطقه‌ای، طرح‌های بزرگ اقتصادی، وابسته کردن کشورهای دیگر به خود، جلوگیری از تحریم شوندگی، ایجاد امنیت بین‌المللی و ... به عنوان نمونه

¹ International North-South Transport Corridor (INSTC)

² Belt and Road Initiative (BRI)

³ Middle Corridor (Trans-Caspian East-West International Transport Route)

⁴ India-Middle East-Europe Economic Corridor (IMEC)

می‌توان به «ابتکار کمر بند راه چین» اشاره کرد که علاوه بر اهداف اقتصادی، اهداف سیاسی و هژمونی در آن نهفته است (Flint and Zhu 2019, 95-96).

۱۲) جنگ بازار سرمایه: «بازار سرمایه»^۱ در کنار «بازار پول»^۲ یکی از دور رکن «بازار مالی»^۳ و نظام مالی کشورها بوده و نقشی حیاتی در تجهیز پس‌اندازها و تامین مالی پروژه‌های بلندمدت و مولد ایفا می‌کند و بستری امن برای سرمایه‌گذاری شهروندان فراهم می‌سازد (Ahmed, Hasan and Kamal 2023, 1078). اگرچه جنگ نظامی بر بازار سرمایه تأثیرگذار است؛ اما جنگ بازار سرمایه به استفاده عمدی از ابزارهای مالی برای دستکاری، ایجاد نوسان یا مختل‌سازی بازارهای سهام و اوراق قرضه یک کشور هدف با قصد تضعیف ثبات اقتصادی آن اطلاق می‌شود. این بعد از جنگ اقتصادی با هدف قراردادن مستقیم اعتماد سرمایه‌گذاران، می‌تواند با سرعت بالا اثرات مخربی بر اقتصاد یک کشور وارد کند (D. W. Drezner 2015, 758). در این نوع جنگ از تکنیک‌های متنوعی استفاده می‌شود که از جمله می‌توان به انتشار اطلاعات نادرست و جنگ روانی، حمله سفته‌بازانه هماهنگ، تحریم‌های بخش مالی و دستکاری در رتبه‌بندی اعتباری اشاره کرد. بهره‌گیری از خطاهای شناختی سرمایه‌گذاران نیز در این زمینه نقش مهمی ایفا می‌کند. استفاده از «خطاهای شناختی» مانند «رفتار توده‌ای»، «اثر لنگر انداختن»، «خطای هزینه از دست رفته»، «اثر کمیابی» و «نفرت از پشیمانی» در این نوع از جنگ متداول می‌باشد. جنگ بازار سرمایه بر اصل اعتماد به عنوان پایه‌ای‌ترین رکن سیستم مالی تأثیر می‌گذارد. از دست رفتن اعتماد سرمایه‌گذاران می‌تواند به سرعت به چرخه معیوب خروج سرمایه، کاهش ارزش دارایی‌ها، افزایش نرخ بهره و رکود اقتصادی منجر شود. کشورهایی که دارای بازارهای سرمایه کم‌عمق، کسری بودجه مزمن یا ذخایر ارزی کم هستند، در برابر این نوع جنگ اقتصادی به شدت آسیب‌پذیرند (حسن‌پور و حسینی ۱۳۹۹، ۷۴-۷۶).

۱۳) جنگ رسانه‌ای-اقتصادی: جنگ رسانه‌ای از ابزارهای جنگ روانی است که در جنگ اقتصادی نیز استفاده می‌شود (Nawaz 2025, 22) (کاشیان ۱۴۰۱، ۱۱۰). جنگ روانی با ظهور فناوری‌های دیجیتال به طور قابل توجهی تکامل یافته و به پدیده‌ای پیچیده و

¹ Capital Market, Stock Exchange

² Money Market

³ Financial Market

چندبعدی تبدیل شده است. در عصر دیجیتال، عملیات روانی از رسانه‌های اجتماعی، هوش مصنوعی و تجزیه و تحلیل داده‌ها برای تأثیرگذاری بر ادراکات، دستکاری روایت‌ها و بی‌ثبات کردن جوامع استفاده می‌کند (Nawaz 2025, 21). راهبردهایی مانند اطلاعات نادرست، تبلیغات سایبری، فناوری جعل عمیق و دستکاری رفتاری، جنگ سنتی را بازتعریف کرده‌اند و بر ثبات سیاسی، امنیت ملی و افکار عمومی تأثیر گذاشته‌اند. گسترش پلتفرم‌های شبکه‌های اجتماعی، عملیات روانی در مقیاس بزرگ را تسهیل کرده و بازیگران دولتی و غیردولتی را قادر ساخته است تا با دسترسی و کارایی بی‌سابقه‌ای در جنگ سایبری، درگیری‌های ترکیبی و دستکاری شناختی شرکت کنند (Nawaz 2025, 21-22). بنابراین می‌توان گفت که امروزه در عصر ارتباطات، جنگ‌ها از جنگ رسانه‌ای آغاز و با جنگ رسانه‌ای ادامه یافته و پایان می‌پذیرند. پیروزی و شکست کشورها در قالب سیاستهای رسانه‌ای رقم خوره و این رسانه‌ها هستند که پیروزی می‌آفرینند، مغلوب می‌سازند و افکار عمومی را به هر سو که می‌خواهند هدایت می‌کنند (زرین کلاه، نجفی و هرمزی‌زاده ۱۴۰۲، ۱۰۸).

۳. روش

این پژوهش از نظر هدف، اکتشافی و از نظر نحوه گردآوری داده‌ها، توصیفی-تحلیلی است. داده‌های مورد نیاز در دو مرحله کیفی و کمی گردآوری و تحلیل شده‌اند. در بخش کیفی، با استفاده از روش اسنادی، داده‌ها از منابع معتبر اعم از کتاب‌ها، مقالات علمی-پژوهشی بین‌المللی و اسناد سیاستی مرتبط استخراج شد. سپس با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوا و با رویکردی استقرایی، مهم‌ترین ابعاد و مؤلفه‌های جنگ اقتصادی شناسایی و دسته‌بندی شد.

در بخش کمی پژوهش، از روش پیمایش استفاده شد. برای این منظور، پرسشنامه‌ای محقق-ساخته طراحی و در میان جامعه خبرگان این حوزه توزیع گردید. جامعه آماری پژوهش را صاحب‌نظرانی تشکیل دادند که علاوه بر تخصص در حوزه‌های اقتصاد و مالی، دارای سابقه پژوهشی در زمینه جنگ اقتصادی بودند. اگرچه اعمال این معیارهای گزینش، منجر به محدود شدن حجم جامعه آماری شد، اما این امر موجب افزایش دقت و تمرکز پژوهش بر نظرات افراد دارای تجربه مستقیم و دانش تخصصی در حوزه مورد مطالعه

گردید. در نهایت، داده‌های حاصل از پرسشنامه‌ها با استفاده از تکنیک دیمتل^۱ مورد تحلیل قرار گرفت تا روابط علی بین مؤلفه‌های شناسایی شده در مرحله کیفی، مشخص گردد. هدف بخش دوم تحقیق، تحلیل روابط علی و معلولی میان ۱۳ بُعد جنگ اقتصادی با به‌کارگیری تکنیک دیمتل است. این روش که بر پایه گراف‌های دوسویه^۲ بنا شده، قادر است معیارهای مرتبط را به دو گروه «علت» و «معلول» تفکیک کند. از مهم‌ترین مزایای دیمتل، امکان تجسم روابط علی میان زیرسیستم‌ها از طریق ارائه یک نمودار علی است که درک عمیق‌تری از ماهیت مسئله فراهم کرده و کمک می‌کند دیدگاه‌های مختلف در یک گروه، سامان یابد (Fakhrzad, Firozpour and Nasab (Tzeng and Huang 2011, 257) (2021). به‌کارگیری این روش، شناسایی عوامل تأثیرگذار (گروه علت) و عوامل تأثیرپذیر (گروه معلول) و همچنین ترسیم نقشه‌ای شبکه‌ای از روابط پیچیده میان آن‌ها را ممکن می‌سازد.

دلیل استفاده از رویکرد فازی در این پژوهش آن است که روابط میان ابعاد جنگ اقتصادی ماهیتی پیچیده، کیفی، ذهنی و همراه با عدم قطعیت دارند و خبرگان نیز میزان تأثیرگذاری عوامل را با عبارات زبانی نظیر «کم»، «زیاد» و «خیلی زیاد» بیان می‌کنند. تبدیل مستقیم این قضاوت‌های ذهنی به اعداد قطعی، بخشی از اطلاعات و عدم قطعیت موجود در نظرات خبرگان را از بین می‌برد. به‌کارگیری دیمتل فازی این امکان را فراهم می‌کند که ابهام و عدم قطعیت موجود در قضاوت‌های انسانی از طریق اعداد فازی مثلثی مدل‌سازی شود و سپس روابط علی-معلولی میان ابعاد با دقت بیشتری استخراج گردد. از این رو، نسبت به دیمتل کلاسیک، روش فازی توانایی بیشتری در بازنمایی واقع‌بینانه قضاوت‌های خبرگان، کاهش خطای ناشی از قضاوت‌های قطعی و افزایش قابلیت اعتماد نتایج دارد.

روایی پرسشنامه: به منظور اطمینان از کیفیت و دقت ابزار پژوهش، روایی^۳ (اعتبار) پرسشنامه با تأکید بر «روایی محتوا»^۴ مورد ارزیابی قرار گرفت. بدین منظور پرسشنامه اولیه بر اساس چارچوب نظری و ابعاد استخراج شده از ادبیات پژوهش طراحی گردید. سپس به منظور تأیید روایی محتوا، پرسشنامه در اختیار متخصصان حوزه اقتصاد، جنگ اقتصادی قرار گرفته و با تأیید ایشان رسید.

^۱ DEMATEL: Decision-Making Trial and Evaluation Laboratory

^۲ Directed graphs

^۳ Validity

^۴ Content Validity

خبرگان: یکی از محدودیت‌های این پژوهش، شناسایی و دسترسی به خبرگان متخصص در حوزه جنگ اقتصادی بود؛ زیرا تعداد پژوهشگران دارای سابقه پژوهشی مستقیم در این حوزه محدود است. از این رو، با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند، پرسشنامه بین شش نفر از خبرگان دارای تخصص در اقتصاد، اقتصاد سیاسی و سابقه پژوهشی مرتبط با جنگ اقتصادی توزیع شد. انتخاب این تعداد خبره، با توجه به محدود بودن جامعه متخصصان و نیز ماهیت روش دیمتل، از نظر روش‌شناختی قابل توجیه است؛ زیرا در این روش، کیفیت و صلاحیت خبرگان بر حجم نمونه اولویت دارد. با توجه به اینکه در مطالعات انجام شده توسط دیمتل استفاده از پنل‌های ۵ الی ۱۲ خبره متخصص متداول و از نظر روش‌شناختی قابل قبول دانسته شده است، انتخاب شش خبره در این پژوهش با رویه رایج این حوزه همخوانی دارد.

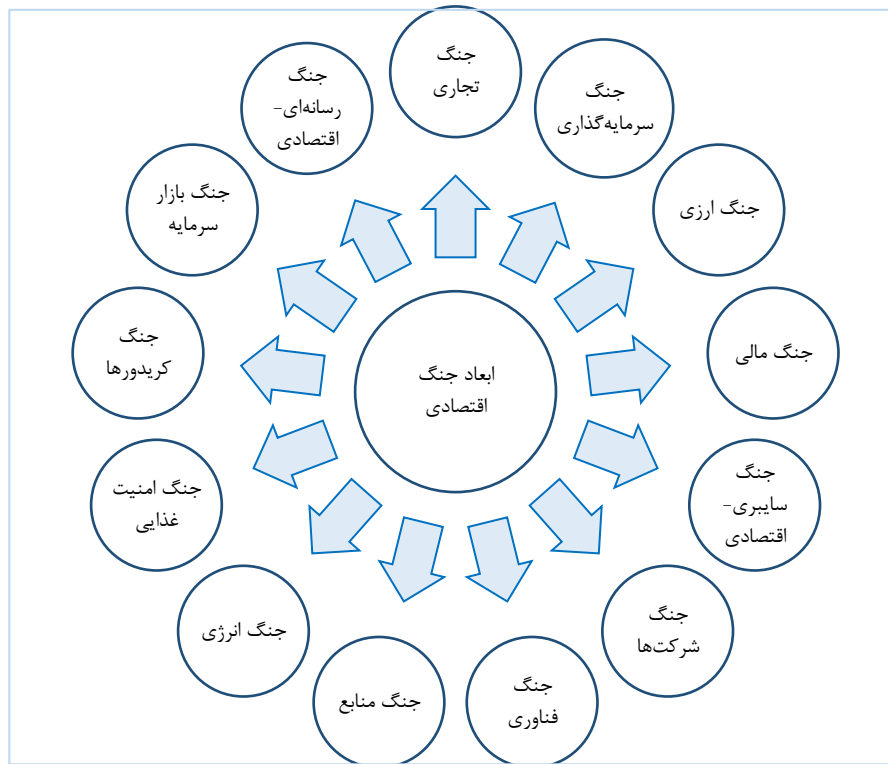
۴. یافته‌ها

یافته‌های این پژوهش را می‌توان در محورهای ذیل ارائه داد:

۱.۴. ابعاد جنگ اقتصادی (یافته‌های مرتبط با مرحله کیفی و مطالعات اسنادی)

این پژوهش با مطالعه عمیق پیشینه تحقیق، موفق به شناسایی و مفهوم‌سازی ۱۳ بُعد متمایز اما به هم پیوسته از جنگ اقتصادی شده است که عبارتند از: جنگ تجاری، جنگ سرمایه‌گذاری، جنگ ارزی، جنگ مالی، جنگ سایبری-اقتصادی، جنگ شرکت‌ها و کسب‌وکارها، جنگ فناوری، جنگ منابع، جنگ انرژی، جنگ امنیت غذایی، جنگ کریدورها، جنگ بازار سرمایه، جنگ رسانه‌ای-اقتصادی. این ابعاد در شکل شماره یک نشان داده شده است:

شکل ۱. ابعاد جنگ اقتصادی (منبع: یافته‌های پژوهش)



۲.۴. تحلیل روابط علی-معلولی بین ابعاد جنگ اقتصادی و طراحی الگوی جنگ اقتصادی (یافته‌های مرتبط با مرحله کمی و روش دیمتل)

هدف این بخش، تحلیل روابط علی-معلولی بین ۱۳ بعد جنگ اقتصادی با استفاده از تکنیک دیمتل است. روش دیمتل مبتنی بر گراف‌های دوجهته است که می‌توانند معیارهای درگیر را به گروه علت و گروه معلول تفکیک کنند. از محاسن دیمتل، تجسم رابطه علی زیرسیستم‌ها با ارائه یک نمودار علی است که درک ماهیت مسئله را ارتقا داده و نظرات را در یک گروه بیان می‌کند. (Tzeng and Huang 2011, 257). این روش به ما کمک می‌کند تا عوامل تاثیرگذار (علت) و عوامل تاثیرپذیر (معلول) را شناسایی کرده و نقشه شبکه‌ای روابط پیچیده بین آنها را ترسیم کنیم. مراحل اجرای روش دیمتل به شرح ذیل بوده است:

هدف این بخش، تحلیل روابط علی و معلولی میان ۱۳ بُعد جنگ اقتصادی با به کارگیری تکنیک دیمتل است. این روش که بر پایه گراف‌های دوسویه ۱ بنا شده، قادر است معیارهای مرتبط را به دو گروه «علت» و «معلول» تفکیک کند. از مهم‌ترین مزایای دیمتل، امکان تجسم روابط علی میان زیرسیستم‌ها از طریق ارائه یک نمودار علی است که درک عمیق‌تری از ماهیت مسئله فراهم کرده و کمک می‌کند دیدگاه‌های مختلف در یک گروه، سامان یابد (Tzeng and Huang 2011, 257). به کارگیری این روش، شناسایی عوامل تأثیرگذار (گروه علت) و عوامل تأثیرپذیر (گروه معلول) و همچنین ترسیم نقشه‌ای شبکه‌ای از روابط پیچیده میان آن‌ها را ممکن می‌سازد. نتایج اجرای روش دیمتل فازی در این پژوهش به شرح زیر است (Tzeng and Huang 2011) و (Fakhrzad, Firozpour and Nasab 2021):

مرحله ۱. ابتدا نظرات متخصصان در قالب قضاوت‌های کیفی اخذ و «عبارت‌های زبانی» به «اعداد فازی مثلی» تبدیل شد (طبق یک):

جدول ۱. تبدیل عبارت‌های زبانی به اعداد مثلی فازی (Tzeng and Huang 2011)

عبارات زبانی	معادل قطعی	اعداد فازی مثلی
تأثیر خیلی زیاد (VH)	۴	(۰/۷۵ ، ۱/۰ ، ۱/۰)
تأثیر زیاد (H)	۳	(۰/۵ ، ۰/۷۵ ، ۱/۰)
تأثیر کم (L)	۲	(۰/۲۵ ، ۰/۵ ، ۰/۷۵)
تأثیر خیلی کم (VL)	۱	(۰ ، ۰/۲۵ ، ۰/۵)
بدون تأثیر (No)	۰	(۰ ، ۰ ، ۰/۲۵)

مرحله ۲. ماتریس رابطه مستقیم اولیه فازی به صورت زیر تعریف می‌شود که در آن $\tilde{z}_{ijk}$ نظر هر متخصص (k) در مورد تأثیر عامل i بر عامل j را نشان می‌دهد (به صورت فرمول شماره ۱):

$$\tilde{z}_k = (\tilde{z}_{ijk})_{n \times n} = (l_{ijk}, m_{ijk}, u_{ijk})_{n \times n} = \begin{bmatrix} 0 & \cdots & \tilde{z}_{1nk} \\ \vdots & \ddots & \vdots \\ \tilde{z}_{n1k} & \cdots & 0 \end{bmatrix} \quad (1)$$

مرحله ۳. در این مرحله، نظرات خبرگان براساس میانگین حسابی، جمع می‌شود:

$$\tilde{z} = (\tilde{z}_{ij})_{n \times n} = \left(\frac{\tilde{z}_{ij1} \oplus \tilde{z}_{ij2} \oplus \cdots \oplus \tilde{z}_{ijk}}{k} \right)_{n \times n} \quad (2)$$

¹ Directed graphs

مرحله ۴. ماتریس رابطه مستقیم نرمال شده فاز ی $\tilde{X}$ براساس فرمول (۳) محاسبه شد:

$$\tilde{X} = (\tilde{x}_{ij})_{n \times n} = \begin{bmatrix} \tilde{x}_{11} & \cdots & \tilde{x}_{1n} \\ \vdots & \ddots & \vdots \\ \tilde{x}_{n1} & \cdots & \tilde{x}_{nn} \end{bmatrix} \quad (۳)$$

$$\tilde{x}_{ij} = \frac{\tilde{z}_{ij}}{r} = \left(\frac{l_{ij}}{r}, \frac{m_{ij}}{r}, \frac{u_{ij}}{r} \right); r = \max_{1 \leq i \leq n} \left(\sum_{j=1}^n u_{ij} \right)$$

مرحله ۵. تبدیل « ماتریس رابطه مستقیم نرمال شده فاز ی $\tilde{X}$ » به سه ماتریس مجزا با توجه به فرمولهای شماره (۴):

$$\begin{aligned} \tilde{X} &= (\tilde{x}_{ij})_{ij} = (l'_{ij}, m'_{ij}, u'_{ij})_{ij} \\ \text{where } X_l &= (l'_{ij})_{n \times n}, X_m = (m'_{ij})_{n \times n}, X_u = (u'_{ij})_{n \times n}, \end{aligned}$$

$$X_l = \begin{bmatrix} 0 & l'_{12} & \cdots & l'_{1n} \\ l'_{21} & 0 & \cdots & l'_{2n} \\ \vdots & \vdots & \ddots & \vdots \\ l'_{n1} & l'_{n2} & \cdots & 0 \end{bmatrix} \quad X_m = \begin{bmatrix} 0 & m'_{12} & \cdots & m'_{1n} \\ m'_{21} & 0 & \cdots & m'_{2n} \\ \vdots & \vdots & \ddots & \vdots \\ m'_{n1} & m'_{n2} & \cdots & 0 \end{bmatrix} \quad X_u = \begin{bmatrix} 0 & u'_{12} & \cdots & u'_{1n} \\ u'_{21} & 0 & \cdots & u'_{2n} \\ \vdots & \vdots & \ddots & \vdots \\ u'_{n1} & u'_{n2} & \cdots & 0 \end{bmatrix} \quad (۴)$$

ایجاد ماتریسهای مجزا برای هریک از درایه‌های کران پایین، کران میانی و کران بالا، کمک می‌کند تا فرمولهای ذیل قابل محاسبه باشد. در این فرمولها، I نشانگر ماتریس واحد و H_l ، H_m و H_u هر کدام ماتریس $n \times n$ هستند که درایه‌های آن را به ترتیب عدد پایین، عدد میانی و عدد بالایی اعداد فاز ی مثلی ماتریس H تشکیل می‌دهد.

$$\begin{aligned} [l''_{ij}]_{n \times n} &= [l'_{ij}]_{n \times n} \times ([I]_{n \times n} - [l'_{ij}]_{n \times n})^{-1} \\ [m''_{ij}]_{n \times n} &= [m'_{ij}]_{n \times n} \times ([I]_{n \times n} - [m'_{ij}]_{n \times n})^{-1} \\ [u''_{ij}]_{n \times n} &= [u'_{ij}]_{n \times n} \times ([I]_{n \times n} - [u'_{ij}]_{n \times n})^{-1} \end{aligned} \quad (5)$$

$$I_{n \times n} = \begin{bmatrix} 1 & \cdots & 0 \\ \vdots & \ddots & \vdots \\ 0 & \cdots & 1 \end{bmatrix}$$

مرحله ۶. محاسبه ماتریس رابطه کل فاز ی $\tilde{T}$ که به صورت زیر بدست می‌آید:

$$\begin{aligned} \tilde{T} &= \lim_{k \rightarrow +\infty} (\tilde{x}^1 \oplus \tilde{x}^2 \oplus \cdots \oplus \tilde{x}^k) \\ \tilde{T} &= \begin{bmatrix} \tilde{t}_{11} & \cdots & \tilde{t}_{1n} \\ \vdots & \ddots & \vdots \\ \tilde{t}_{n1} & \cdots & \tilde{t}_{nn} \end{bmatrix} \\ \tilde{t}_{ij} &= (l''_{ij}) \end{aligned} \quad (6)$$

مرحله ۷. ماتریس رابطه کل غیر فازی به صورت زیر بدست می آید:

$$t_{ij} = \frac{(l_{ij}'' + 2m_{ij}'' + u_{ij}'')}{4} \quad (7)$$

جدول ۲. ماتریس رابطه کل غیر فازی (یافته‌های تحقیق)

جنگ رسانه‌ای-اقتصادی	جنگ بازار سرمایه	جنگ کریدورها	جنگ امنیت غذایی	جنگ انرژی	جنگ منابع	جنگ فناوری	جنگ شرکت‌ها	جنگ سایبری-اقتصادی	جنگ مالی	جنگ ارزی	جنگ سرمایه‌گذاری	جنگ تجاری	ماتریس دیفازی شده
0/15	0/32	0/23	0/29	0/28	0/30	0/30	0/34	0/13	0/27	0/29	0/34	0/23	جنگ تجاری
0/15	0/31	0/21	0/29	0/27	0/29	0/29	0/33	0/14	0/26	0/29	0/25	0/27	جنگ سرمایه‌گذاری
0/18	0/35	0/21	0/30	0/30	0/31	0/32	0/36	0/15	0/32	0/25	0/36	0/33	جنگ ارزی
0/15	0/34	0/18	0/30	0/29	0/30	0/32	0/35	0/14	0/23	0/32	0/35	0/32	جنگ مالی
0/14	0/23	0/14	0/19	0/19	0/20	0/22	0/24	0/09	0/23	0/22	0/24	0/22	جنگ سایبری-اقتصادی
0/12	0/29	0/16	0/26	0/24	0/27	0/27	0/23	0/12	0/26	0/27	0/30	0/27	جنگ شرکت‌ها
0/14	0/29	0/16	0/27	0/26	0/27	0/21	0/30	0/17	0/24	0/23	0/30	0/25	جنگ فناوری
0/13	0/31	0/16	0/27	0/26	0/21	0/28	0/30	0/13	0/25	0/28	0/30	0/27	جنگ منابع
0/14	0/28	0/16	0/25	0/19	0/25	0/25	0/29	0/13	0/26	0/27	0/30	0/27	جنگ انرژی
0/15	0/17	0/11	0/14	0/15	0/16	0/16	0/18	0/10	0/16	0/14	0/20	0/18	جنگ امنیت غذایی
0/15	0/30	0/15	0/26	0/25	0/28	0/28	0/31	0/14	0/25	0/28	0/31	0/28	جنگ کریدورها
0/13	0/21	0/15	0/21	0/20	0/24	0/24	0/30	0/12	0/25	0/26	0/28	0/26	جنگ بازار سرمایه
0/13	0/33	0/16	0/29	0/26	0/31	0/27	0/34	0/14	0/30	0/29	0/34	0/29	جنگ رسانه‌ای-اقتصادی

مرحله ۸. محاسبه مقدار آستانه^۱ (α) به منظور فیلتر کردن برخی از روابط علی ناچیز: اگر $t_{ij} \geq \alpha$ باشد، آنگاه عنصر i رابطه علی معناداری با عنصر j دارد. میانگین آستانه براساس میانگین تمامی درایه‌های ماتریس رابطه کل غیر فازی به دست می آید که در پژوهش حاضر ارزش آستانه مساوی (۰.۲۹۸۹۲۴۷۰۶) می‌باشد.

مرحله ۹. در مرحله بعد باید مقادیر D و R محاسبه شود. D مجموع ستون‌ها و R مجموع ردیف‌های ماتریس T است. مقادیر $(D+R)$ نشانگر «شدت ارتباط» و مقادیر $(D-R)$ نشانگر

¹ threshold value

جهت ارتباط است یعنی اگر (D-R) منفی باشد، آنگاه متغیر از نوع «علت» و اگر مثبت باشد متغیر از نوع «معلول» است.

$$T = (t_{ij})_{n \times n}, \quad i, j \in \{1, 2, \dots, n\}$$

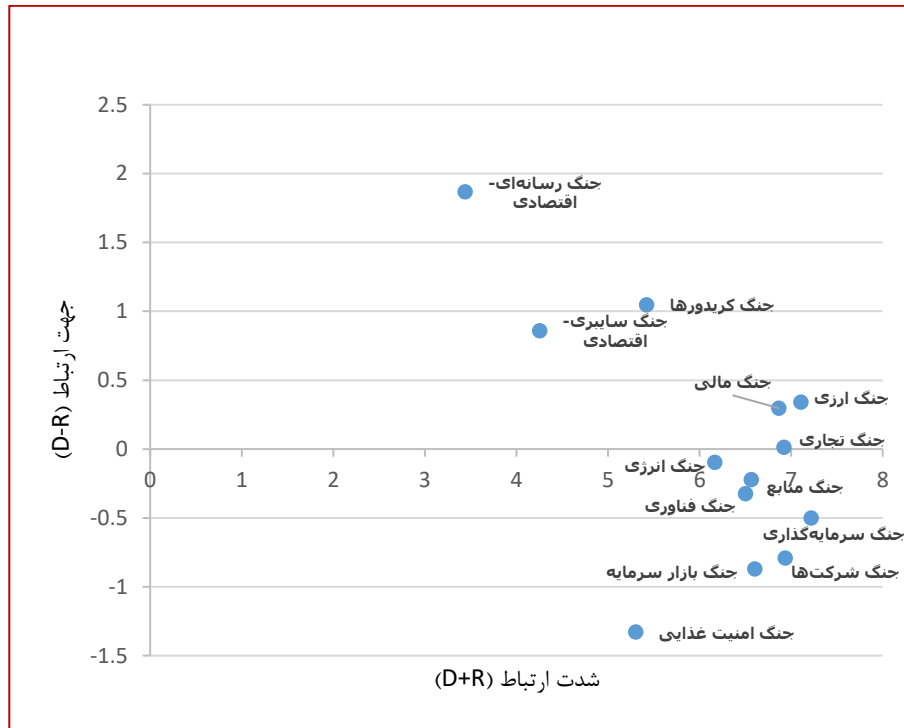
$$D = \left(\sum_{j=1}^n t_{ij} \right)_{n \times 1}, \quad R = \left(\sum_{i=1}^n t_{ij} \right)_{1 \times n}^t \quad (8)$$

جدول ۳. مشخص کردن شدت و جهت ارتباط (یافته‌های تحقیق)

جهت تجاری	جهت سرمایه‌گذاری	جهت ارزی	جهت مالی	جهت اقتصادی	جهت سایبری	کسب و کارها و شرکت‌ها	جهت فناوری	جهت منابع	جهت انرژی	جهت امنیت غذایی	جهت کریودورها	جهت بازار سرمایه	جهت اقتصادی	جهت 'رسانه‌ای'
3/47	3/36	3/72	3/58	2/56	3/07	3/09	3/17	3/04	1/99	3/23	2/87	3/44		
3/46	3/86	3/38	3/29	1/70	3/86	3/41	3/39	3/13	3/32	2/19	3/74	1/87		
6/92	7/22	7/11	6/87	4/26	6/94	6/51	6/57	6/17	5/30	5/42	6/60	5/31		
0/01	-0/50	0/34	0/30	0/86	-0/79	-0/32	-0/22	-0/10	-1/33	1/05	-0/87	1/57		
نقش	معلول	علت	علت	علت	معلول	معلول	معلول	معلول	معلول	معلول	علت	معلول	علت	

مرحله ۱۰. با استفاده از مقادیر D+R و D-R، یک نمودار رابطه تأثیر ایجاد شد که روابط علی ابعاد را نشان می‌دهد. با استفاده از روش دیمتل فازی، روابط پیچیده بین این ابعاد تحلیل شده و نقش هر بُعد به عنوان «عامل علت» یا «عامل معلول» مشخص گردید.

شکل ۲. ماتریس شدت و جهت ارتباط بین ابعاد جنگ اقتصادی (منبع: یافته‌های پژوهش)



براساس روش دیمتل فازی اجرا شده، یافته‌های ذیل قابل ارائه خواهد بود:

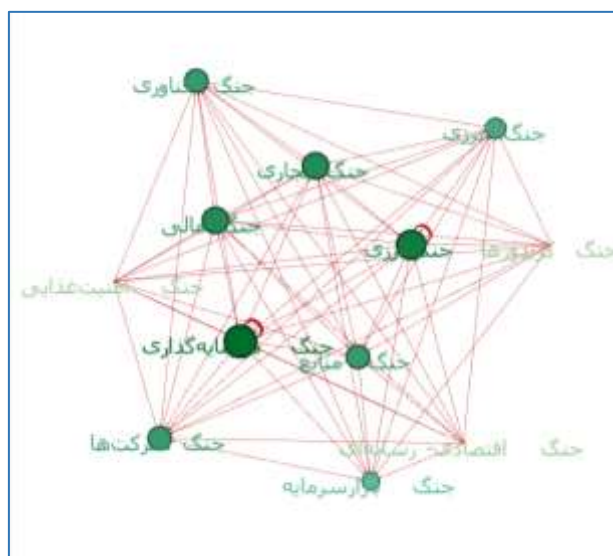
الف) ابعاد علت یا تأثیرگذار: براساس تحلیلهای انجام شده، از منظر خبرگان، ابعادی که نقش «علت» دارند (یعنی مقدار $D-R$ مثبت است) عبارتند از: جنگ تجاری (0.0128)، جنگ ارزی (0.3413)، جنگ مالی (0.2963)، جنگ سایبری-اقتصادی (0.8597)، جنگ کریدورها (1.0466)، جنگ رسانه‌ای-اقتصادی (1.5748).

ب) ابعاد معلول یا تأثیرپذیر: از طرف دیگر براساس تحلیلهای انجام شده، از منظر خبرگان، ابعادی که نقش «معلول» دارند (یعنی مقدار $D-R$ منفی است) عبارتند از: جنگ سرمایه‌گذاری، جنگ شرکت‌ها و کسب و کارها، جنگ فناوری، جنگ منابع، جنگ انرژی، جنگ امنیت غذایی، جنگ بازار سرمایه.

ج) عوامل مرکزی: بر اساس شاخص مرکزیت ($D+R$)، ابعادی که بیشترین تعامل را با کل سیستم دارند به عنوان ابعاد کلیدی شناسایی شدند (بالاترین $D+R$). این ابعاد اهرم‌های حساسی برای مداخله سیاستی هستند و تمرکز بر آنها می‌تواند اثرات سیستمی داشته باشد.

این عوامل عبارتند از: جنگ سرمایه‌گذاری (7.2188)، جنگ ارزی (7.1084)، جنگ شرکتها (6.9371)، جنگ تجاری (6.9247) و جنگ مالی (6.8687). همچنین براساس تحلیل‌های مختلف انجام شده و جدول فوق، نمودار ارتباطات بین ابعاد مختلف جنگ اقتصادی که با استفاده از نرم افزار گفی^۱ ترسیم شده، در قالب شکل شماره ۲ نشان داده شده است.

شکل ۳. مدل ارتباطات بین ابعاد جنگ اقتصادی (ماخذ: یافته‌های پژوهش)



۵. بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی از این پژوهش، احصاء ابعاد مختلف جنگ اقتصادی و شناسایی ارتباطات بین آنها بوده است. با توجه به مطالعات اسنادی، مجموعاً ۱۳ بُعد برای جنگ اقتصادی شناسایی شد. در مرحله بعدی، با استفاده از نظرسنجی از خبرگان و استفاده از روش دیمتل فازی، ارتباطات بین این ابعاد مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج حاصل از تحلیل دیمتل فازی نشان می‌دهد که ابعاد مختلف بازی جنگ درهم تنیده بوده و تأثیر و تأثر متقابل دارند. در عین حال با عمیق شدن در ارتباطات بین آنها مشخص می‌شود که برخی از ابعاد در نقش «علت» ظاهر شده و ابعاد دیگری را تحت تأثیر قرار می‌دهند. ابعادی که به عنوان «علت» شناسایی شدند عبارتند از: جنگ رسانه‌ای-اقتصادی (۱.۵۷۴۸)، جنگ کریدورها (۱.۰۴۶۶)، جنگ

^۱ Gephi

سایبری- اقتصادی (۰.۸۵۹۷)، جنگ ارزی (۰.۳۴۱۳) که بیشترین وزن را در جنگ اقتصادی علیه ایران دارند و در مرحله بعدی، جنگ مالی (۰.۲۹۶۳) و جنگ تجاری (۰.۰۱۲۸) در جایگاه‌های چهارم و پنجم قرار گرفته‌اند. علاوه بر ابعاد ذکر شده، ابعاد دیگری از جنگ اقتصادی هم وجود دارد که در عین اهمیت، تحت تاثیر عوامل فوق می‌باشند. ابعادی از جنگ اقتصادی که «معلول» سایر ابعاد قرار دارند عبارتند از: جنگ سرمایه‌گذاری، جنگ شرکت‌ها و کسب و کارها، جنگ فناوری، جنگ منابع، جنگ انرژی، جنگ امنیت غذایی، جنگ بازار سرمایه.

با توجه به نتایج حاصل از تحلیل‌های انجام شده، ضرورت مقابله با جنگ اقتصادی بیش از پیش مشخص می‌شود. مقابله با جنگ اقتصادی مستلزم تدوین و اجرای یک راهبرد چندوجهی، پیچیده و بلندمدت است که به صورت همزمان، هم بر کاهش آسیب‌پذیری‌های داخلی از طریق تقویت تاب‌آوری اقتصادی^۱ (رویکرد تدافعی) و هم بر ایجاد اهرم‌های فشار متقابل، دیپلماسی فعال و متنوع‌سازی اتحادهای بین‌المللی (رویکرد تهاجمی یا متقابل) متمرکز شود (حسینی و احمدی ۱۴۰۰، ۴۹-۵۰). این دوگانگی راهبردی (دفاع و مقابله) برای خنثی‌سازی تأثیرات مخرب ابزارهای جنگ اقتصادی و حفظ حاکمیت ملی در نظم اقتصاد جهانی ضروری است (پیغامی، و غیره ۱۳۹۴، ۳۳۶). طبق بررسی پژوهشهای مختلف، مهمترین راهکارهای مؤثر برای مقابله با جنگ اقتصادی عبارتند از:

۱) افزایش تاب‌آوری اقتصادی: تاب‌آوری اقتصادی، توانایی یک اقتصاد برای پیش‌بینی، جذب، سازگاری و بازیابی از شوک‌های خارجی است. این کلیدی ترین خط دفاعی محسوب می‌شود (Sondermann 2018, 97-99) (میرجلیلی ۱۳۹۵، ۱۳۰-۱۳۱). مهمترین عامل برای اینکه اقتصاد یک کشور به تاب‌آوری برسد، «اصلاح ساختار اقتصادی» آن کشور است (Sondermann 2018, 115).

۲) اقتصاد مقاومتی^۲: اقتصاد مقاومتی اقتصادی است که ظرفیت مقابله با نااطمینانی‌ها و تکانه‌های داخلی و خارجی، اعم از تکانه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و بلایای طبیعی را در خود ایجاد کرده و می‌تواند تحت وقوع شرایط دشوار، به روند رشد و شکوفائی خود در حد قابل قبولی ادامه داده و به سرعت به سوی تعادل پایدار اولیه بازگردد (نوفرستی ۱۳۹۵، ۱۶۰). اقتصاد مقاومتی از نوع «رشد درون‌زا» است (باقری و

^۱ Economic Resilience

^۲ Resilience Economy / Resistance Economy

موسوی ۱۳۹۷، ۱۲۰). رهبر معظم انقلاب در توصیف این مفهوم اینگونه بیان کرده‌اند: «اقتصاد مقاومتی فقط جنبه‌ی نفی نیست؛ اینجور نیست که اقتصاد مقاومتی معنایش حصار کشیدن دور خود و فقط انجام یک کارهای تدافعی باشد؛ نه، اقتصاد مقاومتی یعنی آن اقتصادی که به یک ملت امکان می‌دهد و اجازه می‌دهد که حتی در شرایط فشار هم رشد و شکوفائی خودشان را داشته باشند ... یعنی آن اقتصادی که در شرایط فشار، در شرایط تحریم، در شرایط دشمنی‌ها و خصومت‌های شدید می‌تواند تضمین کننده‌ی رشد و شکوفائی یک کشور باشد.» (خامنه‌ای ۱۳۹۱/۵/۱۶).

۳) ارتقای توان صنعتی و افزایش تولید ملی: هرچقدر ظرفیت تولیدی کشور افزایش یابد، تاب‌آوری اقتصادی نیز بالاتر رفته و وابستگی به واردات (که عاملی مهم در جنگ اقتصادی است) کاهش می‌یابد. بنابراین در مواجهه با جنگ اقتصادی، یکی از راهکارهای اساسی برای مقابله و کاهش آسیب‌های ناشی از آن، «بهبود و ارتقای صنایع کشور» و «افزایش تولید» است. توسعه صنایع داخلی و تقویت زنجیره‌های تأمین محلی، وابستگی به واردات کالاهای حیاتی را کاهش داده و توانایی کشور را برای مقاومت در برابر تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی افزایش می‌دهد (Gnangnon 2022, 30-32). (Yilmazkuday, 2025, p. 4).

۴) توسعه دیپلماسی اقتصادی و اتحادهای راهبردی^۱: انزوای دیپلماتیک، تأثیر تحریم‌ها را تشدید می‌کند. بنابراین، فعالسازی دیپلماسی برای شکستن انزوای حیاتی است. متنوع‌سازی شرکای تجاری و گسترش روابط اقتصادی به فراتر از بلوک‌های سنتی و تقویت همکاری با کشورهای غیرهمسو با تحریم کنندگان (مانند عضویت یا تعامل قویتر با پیمانهای مانند BRICS+ یا سازمان همکاری شانگهای) می‌تواند کانالهای جدیدی برای تجارت و سرمایه‌گذاری ایجاد کند (Drezner, Farrell and Newman 2021, 52).

۵) ایجاد و تقویت سیستم‌های پرداخت جایگزین: از آنجایی که در شرایط کنونی سازوکارهای پرداخت مالی مانند سوئیفت از مهمترین ابزارهای تحریم می‌باشد لذا ایجاد سیستمهای پرداخت بین بانکی مستقل از کشور تحریم کننده از فوری‌ترین پاسخها به تحریمهای مالی است. سیستمهای پرداخت جایگزین^۲ به سیستمهای پرداخت بین‌المللی گفته می‌شود که برای دور زدن سیستمهای سنتی تحت سلطه‌ی غرب (مانند سوئیفت) و

^۱ Economic Diplomacy and Strategic Alliances

^۲ Alternative Payment Systems

کاهش اثر تحریم‌های مالی ایجاد شده‌اند. نمونه‌های بارز آن شامل سامانه پرداخت بین‌المللی چین با نام «سامانه پرداخت بین‌بانکی فرامرزی»^۱ (CIPS) و سامانه انتقال پیام مالی^۲ SPFS روسیه هستند (Nikolayevskiy and Gorbacheva 2025, 73). همچنین «ارزهای دیجیتال بانک مرکزی کشورها» (CBDC)^۳ می‌توانند با ایجاد سیستم پرداخت فرامرزی مستقیم، وابستگی به سامانه سوئیفت را کاهش دهند. برخلاف سوئیفت که تنها یک کانال ارتباطی بین بانک‌ها است، CBDCها امکان انتقال مستقیم و آنی ارزش مالی بین کشورها را بدون نیاز به واسطه‌های بانکی سنتی فراهم می‌کنند. این قابلیت به ویژه برای کشورهای تحت تحریم جذاب است، چرا که مسیر پرداخت مستقل و مقاوم‌تری در برابر تحریم‌های مالی ایجاد می‌کند. توسعه این سیستم‌ها از جمله پاسخ‌های راهبردی کشورهای تحت تحریم برای خنثی‌سازی سلاح‌سازی مالی غرب محسوب می‌شود. تسویه حساب با ارزهای ملی (به جای دلار یا یورو) و معاملات تهاثری از دیگر روشهای مقابله با تحریمها است (پیغامی، و غیره ۱۳۹۴، ۳۶۷-۳۶۸) (Ballis 2025, 1-2).

۶) استفاده از راه‌های دور زدن تحریم‌ها^۴: اگرچه دور زدن تحریم‌ها ممکن است مستلزم ریسک سیاسی باشد، اما کشورهای هدف اغلب از روشهایی مانند انتقال نفت از طریق کشتی‌های مخفی، استفاده از شرکت‌های واسطه در کشورهای ثالث و استفاده از ارزهای دیجیتال برای فرار از نظارت مالی استفاده می‌کنند (Wronka 2022, 1269). ادعا شده که کره شمالی از تکنیک‌های مختلفی برای دور زدن تحریم‌ها استفاده می‌کند که مهمترین آنها عبارتند از: ساخت و فروش سلاح‌های سبک و مهمات، توسعه و فروش فناوری موشک‌های بالستیک، عملیات جعل و تقلب، سفارش و فروش نقاشی و سایر آثار هنری از طریق شرکت هنری کره شمالی (مانند شرکت ماسوندا) است (Rook 2018, 68). البته در نگاه کشورهای غربی، «دور زدن تحریم‌ها» به «قاچاق»^۵ تعبیر می‌شود (Lukaszuk 2021, 73). به همین دلیل «دفتر کنترل دارایی‌های خارجی آمریکا» = اوفک^۶ که ذیل وزارت خزانه‌داری آمریکا است، نسبت به این موضوع حساس بوده و

^۱ Cross-Border Interbank Payment System (CIPS)

^۲ System for Transfer of Financial Messages (SPFS)

^۳ Central Bank Digital Currencies (CBDCs)

^۴ Sanctions Evasion

^۵ Smuggle

مستمراً در صدد شناسایی روشهای دور زدن تحریمها و مسدود نمودن آنها است (Scott 2019, 738-739).

(۷) تقویت امنیت سایبری و فناوری^۱: جنگ اقتصادی مدرن به شدت به حوزه سایبری گره خورده است. تقویت امنیت سایبری شبکه‌های بانکی، سیستمهای انرژی، و زیرساختهای حمل و نقل در برابر حملات سایبری که می‌توانند مکمل تحریمها باشند، ضروری است. سرمایه‌گذاری بلندمدت در تحقیق و توسعه و ایجاد زیست بوم نوآوری داخلی برای کاهش وابستگی به فناوریهای وارداتی حیاتی، به ویژه در حوزه‌هایی مانند نیمه‌هادی‌ها، هوش مصنوعی و ارتباطات (Vdovichena, et al. 2024, 1557-1560 و Crespo 2018, 235-236).

(۸) مدیریت روانی و اجتماعی^۲: جنگ اقتصادی و تحریمها (که از ابزارهای جنگ اقتصادی می‌باشد) علاوه بر تأثیر مادی، بر روحیه جامعه نیز تأثیر می‌گذارند. امروزه در عصر ارتباطات، جنگ‌ها از جنگ روانی- رسانه‌ای آغاز و با جنگ روانی- رسانه‌ای ادامه یافته و پایان می‌پذیرند. پیروزی و شکست کشورها در قالب سیاستهای رسانه‌ای رقم خوره و این رسانه‌ها هستند که پیروزی می‌آفرینند، مغلوب می‌سازند و افکار عمومی را به هر سو که می‌خواهند هدایت می‌کنند (زرین کلاه، نجفی و هرمزی‌زاده ۱۴۰۲، ۱۰۸). دولت هدف باید با شفافیت درباره چالشها و برنامه‌های مقابله با مردم ارتباط برقرار کند تا اعتماد عمومی را حفظ کرده و از نارضایتی‌های گسترده که می‌تواند امنیت ملی را تهدید کند، جلوگیری نماید. همچنین طراحی برنامه‌های هدفمند رفاهی و یارانه‌ای برای گروههای کم درآمد که بیشترین آسیب را از تورم و کمبود ناشی از تحریمها را می‌بینند، برای حفظ انسجام اجتماعی ضروری است. در این مسیر همانگونه که دشمن از رسانه استفاده می‌کند (برزگر و بختیاری ۱۴۰۰، ۱۳۹).

(۹) وابستگی متقابل اقتصادی^۳ به مثابه راهبرد مقابله با جنگ اقتصادی: اتخاذ راهبرد وابستگی متقابل اقتصادی به عنوان یک سازوکار دفاعی در برابر جنگ اقتصادی، مبتنی بر این اصل است که ایجاد شبکه‌های متراکم مبادلات اقتصادی میان کشورها، هزینه‌های ناشی از آغاز منازعه اقتصادی را برای مهاجم بالقوه به سطح غیرقابل قبولی افزایش می‌دهد.

¹ Cybersecurity and Technological Advancement

² Psychological and Social Management

³ Economic Interdependence

این رویکرد با تزریق هزینه‌های سرسام‌آور به محاسبات طرف متخاصم، به ابزاری برای بازدارندگی و خنثی‌سازی جنگ اقتصادی تبدیل می‌شود. نظریه پردازان لیبرال با تأکید بر این مکانیسم استدلال می‌کنند که پیوندهای ناگسستنی اقتصادی، کشورها را به سمت همکاری و اجتناب از منازعه سوق می‌دهد (Copeland 2015, 18-22). مطالعات منطقه‌ای از جمله پژوهش‌های مربوط به غرب آسیا نشان می‌دهد که تعمیق همکاری‌های اقتصادی می‌تواند به عنوان سپری در برابر تشدید تنش‌ها عمل کند؛ و رویگردانی کشورهای غرب آسیا از «منطقه‌گرایی»^۱ را از دلایل فقدان صلح برشمرده‌اند (Kilchevsky, Cason and Wandschneider 2007, 647).

۶. مقایسه با پژوهش‌های پیشین:

یافته‌های این پژوهش از یک سو مؤید و از سوی دیگر تکمیل‌کننده ادبیات موجود در زمینه جنگ اقتصادی است. مطالعه بلک‌ویل و هریس (Blackwill and Harris 2016) بر نقش محوری جنگ اقتصادی به عنوان ابزار اصلی «حکومتداری اقتصادی» در قرن ۲۱م تأکید داشت. یافته‌های حاضر با شناسایی ۱۳ بُعد مجزا، این چارچوب را بسط داده و نشان می‌دهد که جنگ اقتصادی تنها به تحریم‌های مالی محدود نمی‌شود، بلکه عرصه‌ای ترکیبی از جنگ مالی، جنگ فناوری، جنگ ارزی، جنگ سایبری، جنگ رسانه‌ای و ... است. این یافته با کار درزرنر، فارل و نیومن (Drezner, Farrell and Newman 2021) در مورد «سلاح‌سازی وابستگی متقابل» همسو است که در آن کنترل شبکه‌های حیاتی (مانند کریدورها و سیستم‌های پرداخت) به عنوان اهرم قدرت جدید شناسایی شده بود. از منظر روابط علی، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که جنگ رسانه‌ای-اقتصادی و جنگ سایبری-اقتصادی در رأس عوامل علت قرار دارند. این یافته با مطالعات ناواز (Nawaz 2025) و کاشیان (کاشیان ۱۴۰۱) همخوانی دارد که بر نقش محوری عملیات روانی و جنگ شناختی در جنگ‌های مدرن اقتصادی تأکید کرده‌اند. از سوی دیگر، قرارگیری جنگ فناوری در گروه عوامل معلول، در تضاد نسبی با تأکید رایان و بورمن (Ryan and Burman 2024) بر نقش پیشران فناوری است. این تفاوت را می‌توان به این صورت تبیین کرد که اگرچه فناوری یک حوزه رقابتی حیاتی است، اما در مدل حاضر،

¹ Regionalism

خود به عنوان متغیری وابسته به تحولات در عرصه‌های مالی، رسانه‌ای و ژئوپلیتیک (کریدورها) تصور شده است.

همچنین، یافته این پژوهش مبنی بر نقش علی جنگ کریدورها، شاهد عینی محکمی در مطالعات میدانی است. همانطور که تاشجیان (Tashjian 2024) مستند کرده است، رقابت بر سر کریدورهای حمل و نقل بین‌المللی مانند «ابتکار کمربند و جاده» چین و «کریدور اقتصادی هند-خاورمیانه-اروپا» آمریکا، یکی از محورهای اصلی تنش ژئواقتصادی معاصر است. در نهایت، این پژوهش با ارائه یک مدل علی یکپارچه، چارچوبی برای درک بهتر پویایی‌های جنگ اقتصادی فراهم می‌کند که می‌تواند مبنای مطالعات آتی و تنظیم سیاست‌های مقابله‌جویانه باشد.

تعارض منافع

تعارض منافی در این پژوهش وجود ندارد.

ORCID

Siamak Tahmasebi



<https://orcid.org/0000-0001-5864-5678>

منابع

- باقری، علی و موسوی، سیدمصطفی. (۱۳۹۷). *فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی ۶ (۲۴)*، ۱۱۱-۱۴۷.
- برزگر، ابراهیم و بختیاری، تهمینه. (۱۴۰۰). رسانه، ابزار امنیتی کردن جمهوری اسلامی ایران براساس چهل سال اسناد کنگره آمریکا. *فصلنامه آفاق امنیت* ۱۴ (۵۱)، ۱۲۷-۱۴۹.
- بوشلر، جان فیلیپ. (۱۴۰۴). *بازی جنگ شرکت‌ها برای ادغام/تملک*. با ترجمه سیامک طهماسبی. تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
- پیغامی، عادل، سمیعی‌نسب، مصطفی، سلیمانی، یاسرو حسین‌زاده، سیدسعید. (۱۳۹۴). *جستارهایی در اقتصاد مقاومتی: تحریم‌های اقتصادی ایران؛ مبانی، ابعاد و راهکارها*. تهران: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.
- حسن‌پور، حسین و حسینی، کیارش. (۱۳۹۹). اندازه‌گیری تاثیر جنگ شناختی بر بازار ارز با استفاده از شاخص رفتار توده‌ای. *فصلنامه اقتصاد دفاع و توسعه پایدار*. ۵ (۱۷)، ۷۳-۱۰۴.
- حسینی، سید شمس‌الدین و احمدی، حسین. (۱۴۰۰). *دیپلماسی دفاع اقتصادی ج.ا.ایران برای مقابله و کاهش اثرات تحریم‌های اقتصادی فصلنامه اقتصاد دفاع و توسعه پایدار*. ۶ (۲۰): ۶۹-۴۷.

خامنه‌ای، سید علی (رهبر معظم انقلاب). ۱۳۹۱/۵/۱۶. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21075>.

خزایی، علیرضا، اسلامیان، مجتبی و سزاوار، محمدرضا. (۱۴۰۰). بررسی جنگ ارزی و امنیت اقتصادی در ایران (طی دهه ۱۳۹۰). *اقتصاد ایران و امنیت اقتصادی* ۱ (۳): ۳۳-۶۰.

زرین کلاه، علیرضا، نجفی، سیدحسین و هرمزی زاده، محمدعلی. (۱۴۰۲). شناسایی تکنیکهای عملیات روانی شبکه تلویزیونی بی.بی.سی فارسی علیه جمهوری اسلامی در اغتشاشات شهریور و مهرماه ۱۴۰۱. *مطالعات راهبردی بسیج* ۲۹ (۱۰۰): ۱۴۹-۱۰۷.

سبحانی تبریزی، جعفر. (۱۳۸۵). *فروغ/ابدیت*. قم: بوستان کتاب.
سیف، الله مراد. (۱۳۸۹). مفهوم شناسی امنیت اقتصادی. *فصلنامه آفاق امنیت* ۹ (۳).
کاشیان، عبدالمحمد. (۱۴۰۱). جنبه‌های روانی تحریم‌های اقتصادی و شرطی شدن اقتصاد ایران: دلالت‌هایی برای اقتصاد مقاومتی. *فصلنامه آفاق امنیت* ۱۵ (۵۶): ۱۰۹-۱۳۴.

میرجلیلی، سیدحسین. (۱۳۹۵). بررسی و نقد متون خارجی در زمینه مقاومت و تاب‌آوری اقتصادی. *پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی (ویژه نامه اقتصاد مقاومتی)* ۱۶: ۱۲۵-۱۴۴.

نفیو، ریچارد. ۱۳۹۷. *هنر تحریم‌ها: نگاهی از درون میدان*. با ترجمه معاونت پژوهش‌های اقتصادی. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

نوفروستی، محمد. (۱۳۹۵). اقتصاد مقاومتی و راه‌های دستیابی به آن. *سیاست‌های راهبردی و کلان* ۴ (۱): ۱۶۸-۱۵۷.

یوسف‌زهی، ناصر، سینایی، وحید، فاطمی‌نژاد، سیداحمد و منشادی، مرتضی. (۱۳۹۹). جامعه‌پذیری بین‌المللی، بایسته کشورداری اقتصادی توسعه نمونه‌پژوهی: ایران. *مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌المللی* ۳ (۱): ۷۴-۵۳.

References

- Aggarwal, V. K., and A. W. Reddie. 2021. "Economic statecraft in the 21st century: Implications for the future of the global trade regime." *World Trade Review* 20 (2): 137-151.
- Ahmed, S., Hasan, M. M., & Kamal, M. R. (2023). Russia–Ukraine crisis: The effects on the European stock market. *European Financial Management*, 29(4), 1078-1118. <https://doi.org/10.1111/eufm.12386>
- Bagheri, A., & Mousavi, S. M. (2019). Concept of the Resistive Economy and its Roles in Post-Sanctions Circumstances. *Quarterly Journal of Fiscal and Economic Policies*, 6(24), 111-147. [In Persian]
- Bajoghli, N., Nasr, V., Salehi-Isfahani, D., & Vaez, A. (2024). *How sanctions work: Iran and the impact of economic warfare*. Stanford University Press.

- Baldwin, David A. (2020). *Economic statecraft: New edition*. Prince ton University Press.
- Ballis, A. (2025). Geopolitical Tensions and Financial Networks: Strategic Shifts Toward Alternatives. *arXiv preprint arXiv:2505.21480*.
- Balzacq, T., and R. R. Krebs. (2021). *The Oxford handbook of grand strategy*. Oxford University Press.
- Barzegar, I., & Bakhtiari, T. (2021). Media as a Tool to Securitize the Islamic Republic of Iran based on US Congressional Documents. *Security Horizons*, 14(51), 127-149. [In Persian]
- Blackwill, Robert D., and Jennifer M. Harris. (2016). *War by other means: Geoeconomics and statecraft*. Harvard University Press.
- Büchler, J. P. (2022). *Business Wargaming for Mergers & Acquisitions: Systematic Application in the Strategy and Acquisition Process*. Springer Nature.
- Cohen, E. (2019). Technology and warfare. *Strategy in the contemporary world: an introduction to Strategic Studies*, 127-143.
- Colgan, J. D. (2013). Fueling the fire: Pathways from oil to war. *International Security*, 38(2), 147-180. https://doi.org/10.1162/ISEC_a_00135
- Copeland, D. C. (2015). *Economic interdependence and war*. Princeton University Press.
- Cortright, D., & Lopez, G. A. (2000). *The sanctions decade: Assessing UN strategies in the 1990s*. Lynne Rienner Publishers.
- Costigan, S. S., & Hennessy, M. A. (2024). Hybrid Threats and Hybrid Warfare Reference Curriculum. *NATO Headquarters, Brussels*.
- Crespo, R. A. (2018). Currency warfare and cyber warfare: The emerging currency battlefield of the 21st century. *Comparative Strategy*, 37(3), 235-250. <https://doi.org/10.1080/01495933.2018.1486090>
- Davies, P. (2016). Geoffrey Vickers and lessons from the Ministry of Economic Warfare for cold war defence intelligence. *Intelligence and national security*, 31(6), 810-828. <https://doi.org/10.1080/02684527.2015.1115235>
- Drezner, D. W., Farrell, H., & Newman, A. L. (2021). *The uses and abuses of weaponized interdependence*. Bloomsbury Publishing USA.
- Drezner, D. W. (2011). Sanctions sometimes smart: Targeted sanctions in theory and practice. *International studies review*, 13(1), 96-108. <https://doi.org/10.1111/j.1468-2486.2010.01001.x>
- Drezner, D. W. (2015). Targeted sanctions in a world of global finance. *International Interactions*, 41(4), 755-764. <https://doi.org/10.1080/03050629.2015.1041297>
- Fakhrzad, M. B., Firozpour, M. R., & Hosseini Nasab, H. (2021). A fuzzy DEMATEL approach for evaluating the risk factors: (Case study: The

- instruction center of Iran's national oil company). *RAIRO-Operations Research*, 55(4), 2525-2543. <https://doi.org/10.1051/ro/2021109>
- Flint, C., & Zhu, C. (2019). The geopolitics of connectivity, cooperation, and hegemonic competition: The Belt and Road Initiative. *Geoforum*, 99, 95-101. <https://doi.org/10.1016/j.geoforum.2018.12.008>
- Førland, T. E. (1991). Economic Warfare and Strategic Goods: A Conceptual Framework for Analyzing COCOM. *Journal of Peace Research*, 28(2), 191-204. <https://doi.org/10.1177/0022343391028002005>
- Gnangnon, S. K. (2022). Effect of Productive Capacities on Economic Resilience in Developing Countries. *Asian Development Perspectives*, 13(1): 1-64. doi. 10.22681/ADP.2022.13.1.1
- Grossman, G. M., & Helpman, E. (1995). Trade wars and trade talks. *Journal of political Economy*, 103(4), 675-708. <https://doi.org/10.1086/261999>
- Haidar, J. I. (2017). Sanctions and export deflection: evidence from Iran. *Economic Policy*, 32(90), 319-355. <https://doi.org/10.1093/epolic/eix002>
- Harrison, M. (2025). Economic Warfare: Lessons from the Two World Wars. *In The Routledge Economic History of War* (pp. 187-200). Routledge.
- Hassanpoor, H. and Hosseini, K. (2020). Measuring the Impact of Cognitive Warfare on Exchange Market Using Herding Index. *Defense Economics and Sustainable Development*, 5(17), 73-104. [In Persian]
- Hosseini, S. S. and Ahmadi, H. (2021). I.R. Iran's economic defense diplomacy to counter and mitigate the effects of economic sanctions. *Defense Economics and Sustainable Development*, 6(20), 47-69. [In Persian]
- Hufbauer, G. J. & Schott, K. & Oegg, B. (2007). *Economic sanctions reconsidered*. Washington, DC.: Peterson Institute for international economics.
- Itakura, K. (2020). Evaluating the impact of the US-China trade war. *Asian Economic Policy Review*, 15(1), 77-93. <https://doi.org/10.1111/aepr.12286>
- Kant, Chander. 2002. "What is capital flight?" *World Economy* 25 (3): 341-358.
- Kant, C. (2002). What is capital flight?. *World Economy*, 25(3), 341-358. <https://doi.org/10.1111/1467-9701.00436>
- Kashian, A. (2022). Mental aspects of economic sanctions and Conditionalization of the Iran's economy: Implications for resistance economy. *Security Horizons*, 15(56), 109-134. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.25381857.1401.15.56.4.3>

- Kilchevsky, A., Cason, J., & Wandschneider, K. (2007). Peace and economic interdependence in the Middle East. *World Economy*, 30(4), 647-664. <https://doi.org/10.1111/j.1467-9701.2007.01008.x>
- Khamenei, S. A. (2012, August 6). *Speech in a meeting with university students*. Khamenei.ir. Khamenei.ir [In Persian]
- Khazaei, A., Eslamian, M., & Sazavar, M. R. (2022). An investigation of currency warfare and economic security in Iran (during the 2010s decade). *Iranian Economy and Economic Security*, 1(3), 33-60. [In Persian].
- Lin, T. C. (2016). Financial weapons of war. *Minnesota Law Review*, 1377-1440.
- Lin, T. C. (2022). Business Warfare. *BCL Rev* 63: 1.
- Little, O. (2025). *The battle for technological supremacy: The US vs. China*. IEEE Analyst. <https://www.defensa.gob.es>
- Lukaszuk, P. (2021). You can smuggle but you can't hide: Sanction evasion during the Ukraine crisis. *Aussenwirtschaft*, 71(1), 73-125.
- Manap, N. M. A., & Ismail, N. W. (2019). Food security and economic growth. *International Journal of Modern Trends in Social Sciences* 2 (8): 108-118. DOI: [10.35631/IJMTSS.280011](https://doi.org/10.35631/IJMTSS.280011)
- Metrouh, L. (2024). Food security and international security: An analytical view from the perspective of fifth generation warfare technology. *Journal of Security & Strategic Affairs* 1 (4): 20-27.
- Mirjalili, H. (2016). *A review and critique of foreign literature on economic resistance and resilience*. Critical Studies Journal of Texts and Programs in Humanities, 16 (Special Issue on Resistance Economy), 125-144. [In Persian]
- Mulder, N. (2022). *The economic weapon: The rise of sanctions as a tool of modern war*. Yale University Press.
- Nawaz, F. (2025). Psychological Warfare in the Digital Age: Strategies, Impacts, and Countermeasures. *Journal of Future Building*, 2(1), 21-30.
- Neff, S. C. (2005). *War and the law of nations: A general history*. Cambridge University Press.
- Nephew, R. (2017). *The art of sanctions: A view from the field*. Columbia University Press.
- Nikolayevskiy, D. D., & Gorbacheva, T. A. (2025). China's CIPS in the Global Payment Landscape as a Strategic Alternative to SWIFT. *Economics and Management*, 53, 67-74.
- Nouferesti, M. (2016). *Resistance economy and the ways to achieve it*. Strategic and Macro Policies Quarterly, 4(1), 157-168. [In Persian] <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.23452544.1395.4.0.7.2>

- Norrlöf, C. (2014). Dollar hegemony: A power analysis. *Review of international political economy*, 21(5), 1042-1070. <https://doi.org/10.1080/09692290.2014.895773>
- Nye, J. (2004). *Soft Power: The Means to Success in World Politics*. New York: PublicAffairs.
- Peigham, A., Samiei-Nasab, M., Soleimani, Y., & Seyed Hosseinzadeh, S. (2015). *Jostārḥāyī dar eqtesād-e moqāvēmatī: Tahrīm-hā-ye eqtesādī-ye Īrān; mabānī, ab'ād va rāḥkārḥā* [Essays on the resistance economy: Iran's economic sanctions; Foundations, dimensions, and solutions]. Tehran, Iran: Imam Sadiq University Press. [In Persian].
- Porter, M. E., & Strategy, C. (1980). Techniques for analyzing industries and competitors. *Competitive Strategy*. New York: Free, 1, 76.
- Rickards, J. (2012). *Currency wars: the making of the next global crisis*. Penguin.
- Rook, R. (2017). Arts of evasion: North Korea, sanctions, and the world. *Towson University Journal of International Affairs*, 69-82.
- Rose, A. K. (2021). Currency wars? Unconventional monetary policy does not stimulate exports. *Journal of Money, Credit and Banking*, 53(5), 1079-1096. <https://doi.org/10.1111/jmcb.12815>
- Ryan, M., & Burman, S. (2024). The United States–China ‘tech war’: Decoupling and the case of Huawei. *Global policy*, 15(2), 355-367. <https://doi.org/10.1111/1758-5899.13352>
- Seif, A. M. (2011). *Mafḥum-shenasi-ye amniyat-e eqtesadi* [Conceptualizing economic security]. *Afaq-e Amniyat (Security Horizons Quarterly)*, 9(3). [In Persian]. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.25381857.1389.3.9.1.2>
- Sobhani Tabrizi, J. (2006). *Forugh-e Abadiyat* [The Eternal Light]. Qom, Iran: Boostan-e Ketab. [In Persian].
- Scott, B. F. (2019). Halkbank and OFAC: a sanctions evasion case study. *Journal of Money Laundering Control*, 22(4), 734-743. <https://doi.org/10.1108/JMLC-12-2018-0074>
- Sondermann, D. (2018). Towards more resilient economies: The role of well-functioning economic structures. *Journal of Policy Modeling*, 40(1), 97-117. <https://doi.org/10.1016/j.jpolmod.2018.01.002>
- Tahmasebi, S., Keyhanian, S. and Kameli, B. (2025). An Introduction to Designing an Economic War Game: Dimensions and Priorities. *Defence Studies*, 23(90), 135-166
- Tashjian, Y. (2024). *The "Battle of the Corridors" Regional Interconnectivity and the Geo-Economic Future of the Middle East*. American University of Beirut.

- The National Science and Technology Council (NSTC). (2024). *Critical and Emerging Technologies List Updated*. The White House.
- Tzeng, G. H., & Huang, J. J. (2011). *Multiple attribute decision making: methods and applications*. CRC press.
- Vdovichena, O., Krymska, A., Koroliuk, Y., Shymko, A., & Vdovichen, A. (2024). Digital technologies and cybersecurity in the strategy of PostWar economic recovery. DOI: [10.46852/0424-2513.4.2024.38](https://doi.org/10.46852/0424-2513.4.2024.38).
- Wakely, J., & Indorf, A. (2018). Managing National Security Risk in an Open Economy: Reforming the Committee on Foreign Investment in the United States. *Harvard National Security Journal*, 9(2), 1.
- Wronka, C. (2022). Digital currencies and economic sanctions: the increasing risk of sanction evasion. *Journal of Financial Crime*, 29(4), 1269-1282. <https://doi.org/10.1108/JFC-07-2021-0158>
- Yilmazkuday, H. (2025). Global versus domestic supply chain disruptions: Implications for inflation and economic confidence. *International Finance*, 29(1), 135-148. <https://doi.org/10.1111/infi.70017>
- Yosefzehy, N., Sinaee, V., Fateminezhad, S., & Manshasi, M. (2020). The International Socialization: Social Necessity of the Economic Statecraft of Development (Case Study: the Economic Statecraft and International Socialization of Iran). *International Political Economy Studies*, 3(1), 53-74. doi: [10.22126/ipes.2020.5032.1228](https://doi.org/10.22126/ipes.2020.5032.1228)
- Zarate, J. (2013). *Treasury's war: The unleashing of a new era of financial warfare*. PublicAffairs.
- Zarrinkolah, A., Najafi, S. and Hormozizadeh, M. A. (2023). The psychological operation techniques of the BBC Persian TV against the Islamic Republic in In the Chaos of September and October 2022. *Basij Strategic Studies*, 26(100), 107-149. [In Persian].